



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.8.5

تدوین رهنمودهایی بر بنیاد پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی جهت بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران

ابراهیم خسروی^۱ | اکبر صالحی^۲ | علیرضا محمودنیا^۳ | محسن ایمانی نائینی^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، استخراج رهنمودهایی بر بنیاد پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی، به‌منظور بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران است. روش پژوهش، تحلیل مفهومی و قیاس نظری بوده و به‌منظور گردآوری داده‌های لازم جهت نیل به اهداف پژوهش، منابع موجود و مرتبط با استفاده از برگه‌های فیش‌برداری و با شیوه تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و نتایج پژوهش منجر به استخراج پنج پیش‌فرض اساسی، شامل اصالت اقتباس در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی، توجه به مضامین اسلامی و فرهنگ ملی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی، نگاه نوگرایی بومی‌گرایی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی، اصالت دادن به تولید محتوای مبتنی بر فرهنگ بومی و توجه به فطرت و ابعاد وجودی انسان در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی است. بر بنیاد پیش‌فرض‌های مطرح شده، پنج رهنمود کاربردی شامل: (۱) بررسی انتقادی متون وارداتی و اقتباس در ترجمه آثار غربی در حوزه علوم تربیتی، (۲) شناسایی و معرفی چهره‌های متفکرین بومی و اسلامی در تاریخ علوم تربیتی ایران، (۳) استقبال از طرح‌های مبتکرانه بومی و اسلامی در حوزه علوم تربیتی، (۴) تولید دانش بومی و اسلامی در حوزه علوم تربیتی و (۵) کیفیت‌بخشی به تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای بومی و اسلامی، برای بهبود برنامه درسی علوم تربیتی در ایران، استنباط و تدوین گردید.

کلیدواژه‌ها: بومی‌سازی؛ اسلامی‌سازی؛ علوم تربیتی؛ پیش‌فرض‌ها و رهنمودها.

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Salehihidji2@yahoo.com

۳. دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

نقش بی‌بدیل علوم انسانی در حیات اجتماعی و تحولات گسترده و پرشتاب آن بر کسی پوشیده نیست. علوم تربیتی نیز به‌عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی، نقش زیر بنایی در نظام تعلیم و تربیت، اقتصاد و فرهنگ ایفا می‌کند و با توجه به چنین وظیفه‌ای، یکی از راهبردهای اصلی هر نظام آموزشی، پایه‌گذاری یا بازتولید یک نظام فکری در حوزه علوم انسانی و به‌ویژه علوم تربیتی است تا با الهام از آرمان‌های بومی، ملی و ارزشی و نیز جهان‌بینی حاکم بر جامعه، دست‌اندرکاران نظام تربیتی و به‌ویژه نظریه‌پردازان حوزه علوم تربیتی را در جهت تحقق اهداف تربیتی رهنمون سازد. علوم تربیتی مطلوب یکی از ارکان سیاست‌های توسعه علمی کشورهای جهان محسوب می‌شود و بخش مهمی از اهداف نظام‌های آموزشی را به خود اختصاص داده است. «توسعه علمی و فرهنگی هر جامعه‌ای نیازمند حرکت نهادها در مسیر توسعه فرهنگ ملی و بومی است. چنین نهادهایی، کانون اصلی اندیشه‌ورزی مقتضیات ملی، منطقه‌ای و جهانی و تدوین‌کننده راهبردهای علمی و فرهنگی در جامعه است» (اخوی راد، ۱۳۸۸: ۲۵). «علوم تربیتی مطلوب، دانشی مستقل و سازمان یافته است که با بهره‌گیری از دانش‌های خادم خود با تمرکز همه‌جانبه بر موضوع، به سمت اهداف معرفتی و پژوهشی قدم برمی‌دارد و همچون نظامی منسجم عمل می‌نماید» (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۰: ۷۲).

امروزه بومی‌سازی و اسلامی‌سازی دو مورد از مباحث فکری است که در سطح ملی و در برخی از کشورهای جهان نیز مطرح بوده و در ایران نیز به آن پرداخته می‌شود و از این رهگذر بحث بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی در ایران به‌عنوان یک مسئله مهم به حساب می‌آید. برای پاسخ به چنین مسائلی علوم انسانی دارای قابلیت‌های ویژه‌ای است، در رابطه با قابلیت‌های علوم انسانی باید گفت که این علوم، منابع فرهنگی مناسبی را جهت خلق رویکردهای تازه به انسان و اجتماع می‌دهند و ظرفیت‌های بالقوه عظیمی را فراهم می‌آورند. استفاده از این قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و به‌منظور «گسترش و عمق بخشیدن به ظرفیت‌های، بایستی فرهنگ ملی - در عرصه جهانی - و مؤلفه‌های فرهنگ بومی در عرصه داخلی مدنظر قرار گیرد» (سالمی، ۱۳۹۵: ۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی دغدغه دیگری در بین

روشنفکران مسلمان با عنوان اسلامی‌سازی مطرح است «نخستین تلاش‌های سازمان یافته در این حوزه در سال ۱۹۷۷ با برگزاری کنفرانس تعلیم و تربیت مسلمانان در شهر مکه آغاز گردید و تفکر اسلامی‌سازی علوم نیز در همین کنفرانس مطرح شد» (سجادی و برخوردار، ۱۳۸۳: ۵۹).

اگرچه در نگاه اول، اسلامی‌سازی و بومی‌سازی دو مقوله جداگانه به حساب می‌آیند ولیکن در جامعه‌ای مثل ایران باید به هم تنیده شوند زیرا تلفیق برنامه درسی بومی و اسلامی می‌تواند مسیر رسیدن به علوم تربیتی مطلوب را هموار نماید. «علوم انسانی به‌عنوان ریشه بسیاری از علوم، دارای استحکام و بنیادهای اصلی است و باید گفت همچنان که استحکام ریشه باعث رشد شاخ و برگ‌ها خواهد شد، پرداختن به علوم انسانی نیز استحکام دیگر دانش‌های بشری از جمله علوم تربیتی را در پی دارد. به‌عبارت‌دیگر رشد علوم انسانی مسیر پیشرفت و تحول علوم تربیتی را هموار خواهد نمود» (پوریانی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه برنامه درسی اغلب رشته‌های علوم انسانی و علوم تربیتی با رویکرد غربی و سکولار سامان یافته است (اعوانی، ۱۳۹۰: ۲)؛ بنابراین برای ایجاد تحول در علوم تربیتی، باید پیش‌فرض‌ها درستی را هم در مورد انسان و هم در مورد ارزش‌هایی علمی صحیح متناسب با فرهنگ ملی و بومی دست یافت و از طرفی باید استادانی متعهد به پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی در کشور وجود داشته باشند. «اساتید در ایجاد و تقویت هویت ایرانی و اسلامی در دانشجویان با بیان پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف، می‌توانند احساس هویت را در دانشجویان به وجود آورند» (خامنه‌ای، ۹۵/۳/۲۹). در همین راستا سینه‌ها^۱ (۲۰۰۰) معتقد است که با توجه به اینکه اصلاح نظام آموزش و پرورش برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای چالش‌های جهانی شدن و اقتصاد مبتنی بر دانش و مدل‌های آموزش معلمان در آسیا و اقیانوسیه به‌اندازه کافی موردانتقاد و اصلاح قرار نگرفته است؛ بنابراین نیاز فوری به آموزش مجدد معلمان و اصلاحات ضروری است.

طرح مسئله و ضرورت بومی‌سازی و اسلامی‌سازی از آنجا ناشی می‌شود که در سال‌های اخیر نه تنها در کشور ما بلکه در سایر کشورهای جهان، موضوع بومی‌سازی علوم انسانی، بسیار موردتوجه قرار گرفته است. همچنین در کشورهای اسلامی، علاوه بر موضوع بومی‌سازی، به بحث اسلامی‌سازی علوم نیز پرداخته شده است. (سجادی و برخوردار، ۱۳۸۳: ۵۹)؛ بنابراین در اینجا

1. Jai Sinha

دو بحث مطرح است «یکی بحث بومی‌سازی علوم انسانی است که به معنای مطالعه و بررسی مقتضیات جامعه، هنجارها، ناهنجاری‌ها، رفتارها و تطبیق علوم انسانی بر اساس نیاز فرهنگ جامعه می‌باشد و دوم اینکه معنای اسلامی علوم انسانی و بازتعریف نظریه‌های علوم انسانی با استفاده از مبانی و جهان‌بینی اسلامی است و از آنجا که علوم انسانی فعلی بر اساس مبانی و تفکرات اومانیستی، سکولار و نسبی‌گرایی ناشی از جهان‌بینی غرب و در راستای نیازهای انسان غربی طراحی شده، لزوم بومی‌سازی علوم انسانی و کاربردی شدن آن بیش‌ازپیش بر همگان اثبات می‌شود» (اعوانی، ۱۳۹۰: ۲). علوم تربیتی موقعیت، جایگاه و نقش مهمی را در بین رشته‌های علوم انسانی دارا می‌باشد، همچنین «علوم تربیتی وظیفه تربیت افراد صاحب‌نظر در مسائل تعلیم و تربیت را بر عهده دارد و چنین وظیفه خطیری در جهان امروز جزء مسائل سرنوشت‌ساز جامعه به شمار می‌رود» (شکوهی، ۱۳۸۳: ۴۶)؛ بنابراین افزایش میزان هماهنگی دانش علوم انسانی و علوم تربیتی با محیط پیرامون و پردازش یک نظام علمی هماهنگ و متناسب با ساختار فرهنگی، دینی، بومی، ملی و اسلامی در کشور، یک ضرورت اساسی است.

امروزه رشته علوم تربیتی یکی از رشته‌های مهم علوم انسانی در دنیا است و عموماً محتوای آن در اغلب کشورها و به‌ویژه در ایران، حاصل ترجمه و اقتباس از منابع غربی است و بسیاری از موافقان بومی‌سازی و مدافعان اسلامی‌سازی بر این باورند که موضوع بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم انسانی و به تبع آن برنامه درسی علوم تربیتی، باید متناسب با ارزش‌های ملی، بومی و اسلامی باشد. این موضوع در حوزه برنامه درسی علوم تربیتی در ایران هم به‌شدت احساس می‌شود. این پژوهش، ضمن شناسایی پیش‌فرض‌های بومی‌سازی و اسلامی‌سازی در تلاش است تا بر بنیاد پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی، به تدوین رهنمودهایی به‌منظور بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران بپردازد؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این دو سؤال است که؛ چه پیش‌فرض‌هایی برای بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی در ایران می‌توان شناسایی نمود؟ و بر بنیاد این پیش‌فرض‌ها، چه رهنمودهایی را می‌توان جهت بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران ارائه کرد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی بوده و پاسخگویی به سؤالات مربوطه، با استفاده روش‌های تحلیل مفهومی و قیاس نظری انجام شده است. به منظور شناسایی، تحلیل و تدوین پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی از روش تحلیل مفهومی استفاده می‌شود. منظور از تحلیل مفهومی، روش واحد و مشخصی نیست، بلکه در طیف گسترده‌ای، با مشخصه‌های متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل مفهومی روشی مطلوب و مناسب برای شناخت، تحلیل و تدوین داده‌های کیفی است؛ این داده‌ها که اغلب به صورت متنی و پراکنده می‌باشند به داده‌های منسجم و تفصیلی تبدیل می‌شوند. «هر مفهومی به علتی و با احساس و موقعیت خاصی، در تاریخ تفکر بشر، مورد توجه متفکری قرار گرفته و توضیح در مورد آن از جایی شروع شده است. سپس در مسیر ملاحظات و تأملات فکری دیگر اندیشمندان قرار گرفته و تغییر و تحولاتی یافته است (بیاتی، ۱۳۸۱)؛ بنابراین از یک سو برای دستیابی به بخش اول یعنی شناسایی پیش‌فرض‌ها به کمک روش تحلیل مفهومی و با استفاده از تحلیل داده‌های متنی در حوزه بومی‌سازی و اسلامی‌سازی، پراکنده و متنوع؛ همچنین با جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی محققان تلاش کردند تا برخی پیش‌فرض‌هایی را احصا کنند.

بر بنیاد این پیش‌فرض‌ها و برای دستیابی به رهنمودهایی جهت بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران؛ از روش قیاس نظری استفاده شد. استدلال قیاسی، نتیجه‌گیری با دلایل کافی از جزء به کل است یا رسیدن مدلل از قوانین کلی و عمومی به موارد جزئی و خاص را گویند که شاید اولین حرکت قابل ملاحظه در پیدایش سیستم منظم و سیستماتیک برای کشف واقعیت باشد. روش قیاسی «هم به صورت نظری و هم به صورت عملی در فلسفه تعلیم و تربیت قابل استفاده است (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲۸). از این رو، پس از تبیین و استخراج پیش‌فرض‌های بومی‌سازی و اسلامی‌سازی به روش تحلیل مفهومی؛ در ذیل هر پیش‌فرض برای دستیابی به رهنمودهایی جهت بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران با استفاده روش قیاس نظری به تدوین رهنمودهای مطلوب و کاربردی پرداخته می‌شود. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات؛ فیش‌برداری و کتابخانه‌ای و کندوکاو در منابع و مآخذ در حوزه‌های علوم انسانی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی

بوده که پس از طبقه‌بندی اطلاعات به توصیف و تحلیل هریک از رویکردها به منظور پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش بکار گرفته شد.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه‌های پژوهش، نشان می‌دهد که هنوز به‌طور مشخص تحقیقی در این حوزه انجام نشده ولیکن برخی پژوهش‌ها وجود دارند که به‌طور مختصر در برخی از مباحث به‌نوعی با موضوع این پژوهش در ارتباط بودند که در ادامه، مروری اجمالی از آن‌ها به عمل آمده است.

باقری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد کتاب «از علم سکولار تا علم دینی» می‌نویسد که: «اهمیت و نقش پیش فرض‌های دانشمندان به موازات این امر آشکار شد که فیلسوفان علم دریافتند که مشاهده محض امکان‌پذیر نیست. به‌عبارت‌دیگر، علم‌ورزی با مشاهده محض آغاز نمی‌شود و علم نیز حاصل جمع مشاهدات محض نیست، بلکه هنگامی که عالم مشاهدات خود را آغاز می‌کند، از قبل توسط پیش فرض‌هایش جهت‌یافته شده است. پس دانشمندان وقتی به تبیین امور همت می‌گمارند، جهت ویژه‌ای توسط پیش فرض‌های خود یافته‌اند. از آن‌پس مشاهدات آن‌ها و سپس یافته‌هایشان به رنگ پیش فرض‌هایشان درآمده است. این نکته توسط فیلسوفان مختلف علم مطرح شده است» (باقری، ۱۳۹۶: ۱۰).

ساداتی نژاد (۱۳۹۲) در پژوهش خود، موضوع بومی‌سازی علوم انسانی را مورد بحث و کنکاش قرار داده و بر این باور است علوم انسانی موجود که غالباً محتوای آن در برخی از رشته‌ها تقلید شده از سنت دانشگاهی غرب است بر پایه‌هایی از انسان‌شناسی استوار شده که با عنوان اومانیزم شناخته می‌شود و با تحولات به وجود آمده در غرب بعد از رنسانس سازگار است و با ساختارهای جامعه دینی ما همخوانی ندارد؛ زیرا بر اساس اندیشه اومانیزمی^۱ انسان موجودی است که تعریف آن از لحاظ زیستی اغلب با اندیشه‌های داروین^۲ بیشتر سازگار خواهد بود.

پوریانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی بومی‌سازی علوم انسانی» گسترش روحیه نوگرایی در جامعه را عاملی مؤثر در راستای رفع موانع بومی‌سازی می‌داند و اعتقاد دارد که

1. Humanistic
2. Darwin

آزاداندیشی و شجاعت علمی، در کنار تعهد به ارزش‌های اسلامی و آرمانی و اقدام به برنامه‌ریزی در سطح کلان در آموزش و پرورش از جمله لوازم تحقق بخشیدن به هدف مذکور است و حل موانع و مشکلات فراروی بومی‌سازی علوم انسانی نیازمند عزمی ملی و فراگیر است.

تقوی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر «ملاحظات نقادانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی» تألیف علی پایا که در آن استدلال‌هایی علیه مفهوم علم دینی اقامه شده است و نویسنده مقاله موردنقد در نقادی خود موضعی پوپری اتخاذ کرده است. تقوی در مقاله انتقادی خود نشان داده است که این منظر برای نفی مفهوم علم دینی کفایت نمی‌کند؛ زیرا نقادی پوپری نمی‌تواند نظریه علمی حاوی آموزه‌های متافیزیکی را از این آموزه‌ها عاری کند. ایشان به نقل از پوپر می‌گویند، متافیزیک می‌تواند معنادار باشد، زیرا ممکن است که نظریه‌ها در ابتدا به صورت متافیزیکی متولد شوند و بعد به تدریج آزمون‌پذیر گردند. به این ترتیب لزومی ندارد یک نظریه علمی ابطال‌پذیر از نظر پوپر، عاری از هر نوع گزاره متافیزیکی باشد؛ بنابراین یک نظریه موقتاً مقبول در علم‌شناسی پوپر ممکن است همواره متأثر از نظام متافیزیکی خاصی باشد.

مصباح یزدی (به نقل از قریشی نسب، ۱۳۹۱) در پژوهش خود آورده است: «منظور از بومی‌سازی و اسلامی کردن علوم، صرف تعویض اصطلاحات نیست، بلکه تغییر جهان‌بینی‌ها و استفاده از منبع وحی در تولید علم است. ما در اسلام چیزهایی به برکت وحی داریم که در خارج از فرمول مطالعات میدان و آزمون و خطا و روش‌های علمی است؛ بنابراین ما وظیفه داریم به عنوان مدافعین اسلام و کسانی که وارث میراث علمی اسلام هستیم، این را کشف و استخراج کنیم.»

نوذری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «امکان اسلامی‌سازی و بومی‌سازی برنامه درسی رشته علوم تربیتی»، می‌نویسد: در سال‌های اخیر، تحول در برنامه‌های درسی علوم انسانی با رویکرد اسلامی و بومی یک دغدغه بوده است. انتقال نگرش‌ها و ارزش‌های لیبرالیستی و سکولاریستی، عدم انطباق با نیازهای کشور و به روز نبودن محتوای برنامه‌ها منشأ اصلی دغدغه‌ها، نگرانی‌ها و تأکید بر ضرورت تحول در برنامه درسی است. در پژوهش وی سه سؤال مطرح شده است: اول این که برنامه درسی مصوب رشته علوم تربیتی چه نقاط ضعف و قوتی دارد، دوم این که تولید دانش بومی و اسلامی تا چه حد امکان‌پذیر است و سوم این که چه عواملی موجب کندی برنامه پیشبرد بومی‌سازی و اسلامی‌سازی برنامه درسی در سال‌های پس از تصویب برنامه شده است؟ وی

در ادامه می‌نویسد: در بهار ۱۳۵۶ (آوریل ۱۹۷۷ م) اولین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش اسلامی در مکه معظمه با شرکت ۳۱۳ نفر از اندیشمندان جهان اسلام تشکیل شد. در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲ م) سمینار بین‌المللی کردن دانش در اسلام آباد برگزار گردید و در تابستان ۱۳۶۳ (۱۸۹۴ م) اسماعیل فاروقی رئیس مؤسسه بین‌المللی اندیشه اسلامی در آمریکا و استاد دانشگاه تمپل در فیلادلفیای آمریکا؛ کنفرانس بین‌المللی کردن رشته‌های دانش در مالزی به راه انداخت و نهایتاً نتیجه می‌گیرد که با گذشت بیست سال از تدوین برنامه درسی رشته علوم تربیتی در گرایش‌های پنج‌گانه؛ می‌توان برنامه مذکور را با استفاده از دانش تربیت اسلامی و بومی که طی این مدت به‌وسیله محققان تولید شده موردبازنگری قرار داد و آن را ارتقا بخشید.

هدایتی (۱۳۹۱) در مقاله تحت عنوان «بومی‌سازی رشته‌ی تحصیلی مشاوره و راهنمایی بر پایه‌ی ارزش‌های مذهبی، بن‌مایه‌های فرهنگی و رویکردهای علمی» می‌نویسد: انسان در ابعاد و عرصه‌های مختلف زندگی، اغلب با موقعیت‌های متعارض، تنش‌زا و چالش‌برانگیزی مواجه می‌گردد که بسیاری از آن‌ها، نه تنها فرد، بلکه خانواده، نزدیکان و عملکرد تحصیلی، شغلی و روابط اجتماعی وی را نیز در معرض خطر و آسیب قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، یاری کارشناسان می‌تواند به انسان کمک کند تا با شناخت بهتر و چندجانبه‌ی مسئله، شناسایی راه‌حل‌های گوناگون، اتخاذ تصمیم مناسب و بالاخره عمل، تعادل را باز یابد برنامه مشاوره باید متناسب با نیازها و ویژگی‌های منحصر به فرد مراجع و محیطی باشد که فرد در آن رشد نموده و به مشکل برخورد کرده است؛ بنابراین مشاوره مؤثر، نیازمند داشتن شناخت و درک مناسبی از ویژگی‌ها، نیازها و قابلیت‌های مراجعان و بافت ارزشی فرهنگی است که خود را در آن‌ها می‌بیند. این فرایند، هم‌چنین تحت تأثیر نظام باورها، نظام ارزشی و نحوه‌ی نگرش، جهان‌بینی او، چارچوب‌های پنداشتی و نظری و مکاتب روان‌شناختی رایج موردقبول او قرار دارد؛ بنابراین، مشاوره‌ای موفق است که متناسب با خصوصیات بومی ارائه گردد. در مجموع این مقاله به ارائه الگوی یکپارچه‌ای مبتنی بر ارزش‌های مذهبی، بن‌مایه‌های ملی و رویکردهای علمی در رشته‌ی مشاوره و راهنمایی پرداخته است.

اخوی راد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شیوه‌های بومی‌سازی علوم انسانی و تأثیر آن بر نقش آموزش عالی» اعتقاد دارد که آموزش عالی با برنامه‌ای مدون مدیریت علم را بر عهده دارد.

این مدیریت بحث تناسب علوم انسانی با نیازهای بومی را مدنظر دارد و تلاش می‌کند، دانش ضمنی با دانش صریح یکپارچه شود. در این فرایند، تأکید بر بهره‌گیری مستمر شیوه‌های علمی و پژوهشی دارد و رشته‌های علوم انسانی تا زمانی که مباحث ارزش‌های زیربنایی لحاظ نشود، جامعه به توسعه علمی نخواهد رسید و قادر به تغییر تحول فرهنگ و اخلاق نخواهد بود. ایشان معتقد است که در این مسیر صاحب‌نظران آموزش عالی هم‌اکنون بر مدیریت دانش تأکید داشته و لزوم یکپارچگی دانش ضمنی و دانش صریح را بیان می‌دارند و هم‌چنین در فرایند دانش ضمنی به دانش صریح، تأکید بر بهره‌گیری مستمر از شیوه‌های علمی و پژوهشی در بومی‌سازی حوزه‌های دانش دارند. او نتیجه می‌گیرد که الگوی توسعه درون‌زا و پایدار به گسترش فرهنگ تحقیق، فناوری و ابداع جریان خلاق تولید بومی و هم‌چنین آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و متفکر برای پیشرفت و اعتلای جامعه نیازمند است.

فاضلی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «گفتمان مسئله بومی‌سازی علوم اجتماعی» از رویکرد مطالعات فرهنگی، تحلیل گفتمان از آرا و دیدگاه‌های مختلف در زمینه بومی‌سازی علوم اجتماعی در ایران را مطرح می‌کند. هدف اصلی این مقاله بیان اجمالی نحله‌های مختلف در زمینه بومی‌سازی و نقد آن‌ها و همچنین ارائه یک دیدگاه متفاوت برای فهم بومی‌سازی بر اساس تفکیک مفهومی بومی‌سازی است. رویکرد وی در این مقاله مطالعات فرهنگی است. در این رویکرد تبیین موضوعات از نظر پیوندهای مختلف بین قدرت و فرهنگ اهمیت دارد. ایشان تلاش کرده تا با تفکیک مفاهیم مختلف در گفتمان بومی، مانند بومی بودن، بومی شدن، بومی‌سازی، بوم‌گرایی و بوم‌نگری وجوه قدرت به کار رفته آشکار و پنهان در گفتمان بومی را توضیح دهد و به جای موضع‌گیری مبتنی بر نفی یا اثبات آن، نشان دهد که در معنایی معین می‌توان به فرایند بومی‌سازی علوم اجتماعی پرداخت.

توسلی (۱۳۸۶) در همایش سالانه انجمن جامعه‌شناسی ایران؛ پیرامون علم بومی و علم جهانی، در سخنرانی خود به تشریح دیدگاه العطاس پرداخته و می‌گوید: از نظر العطاس اسلام نه تنها با هیچ علمی مغایرت ندارد؛ بلکه علوم را می‌ستاید و بر آموزش آن‌ها تأکید می‌کند. در بیان مفهوم علم بومی؛ العطاس هم با نفی‌کنندگان و هم با کسانی که یکپارچه آن را تأیید می‌کنند، مخالف است و در این باب اندیشه ظریفی دارد. او معتقد است که علم چیزی نیست که بشود آن را بومی کرد، اما

باید علم را با نیازهای یک جامعه مطابقت داده و لازم است برای گسترش یک علم به سوابق و فرهنگ و ارزش‌های آن جامعه توجه نمود.

چیانگ^۱ (۲۰۲۰) در کتاب راهنمای مطالعات سیاست آموزش و پرورش، با طرح این سؤال که آیا آموزش بومی‌سازی فرهنگی در دوره جهانی‌سازی ضروری است؟ می‌نویسد: از آنجا که لیبرالیسم نوین به یک ارزش جدید جهانی تبدیل شده است، جهانی شدن بیش از هر زمان دیگری کشورها را در یک نهاد به هم پیوسته قرار می‌دهد. این وضعیت به ایالات متحده کمک کرده است تا جایگاه غالب خود را به دست آورد و به این کشور اجازه می‌دهد فرهنگ‌های هژمونیک خود را به کشورهای دیگر صادر کند. گفته می‌شود که چنین صادراتی جایگزین فرهنگ کشورهای واردکننده خواهد شد و بنابراین، هویت ملی شهروندان آن‌ها را به خطر می‌اندازد. برای کاهش این بحران سیاسی، از استراتژی بومی‌سازی فرهنگی استفاده خواهد شد.

فاطمه بنتی صالح و خدیجه بنتی زون^۲ (۲۰۰۸) در مقاله خود تحت عنوان «برنامه درس ملی مالزی در قرن ۲۱: پارادایم تغییر برای مقابله با جهانی شدن» می‌نویسند: «برنامه ملی مالزی (MNC) ابتدا در سال ۱۹۵۶ در آستانه استقلال (۱۹۵۷) شکل گرفت و چندین بار اصلاح و تغییر شکل یافت و توسط فلسفه آموزش عالی ملی (NPE) در سال ۱۹۸۸ هدایت گردید. توسعه، جهش و دامنه آن در قرن بیست و یکم، تعدادی از تغییرات پارادایم را در برمی‌گیرد که متناسب با خواسته‌های دولت‌های رو به رشد ملی و همچنین عوامل جهانی شدن در سطح جهانی است. در این مقاله عوامل جهانی شدن بر اساس ارتباط آن‌ها با آموزش مالزی، از نشریات مالزی و منابع انگلیسی‌زبان شناسایی شده و بخش‌های زیر را شامل گردیده است: الف) مرور کلی از (MNC) تا سناریوی فعلی. ب) توضیح تغییرات پارادایم کلیدی، از جمله جدیدترین سیاست مربوط به آموزش علوم و ریاضیات به زبان انگلیسی. ج) یک بحث خلاصه در مورد چگونگی این تغییرات به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدگی به خواسته‌های مختلف جهانی شدن.»

خدیجه بنتی زون و همکاران^۳ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «چشم‌انداز مالزی از دانش قومی و محلی برای مقابله با تعادل جهانی شدن» می‌نویسند که: «مسئولین در کشور مالزی

1. Chiang

2. Fatimah, Binti-Saleh and Khadijah Binti-Zon

به‌طور کلی سیاست‌ها را اعلام کرده و دانشگاه مالزی^۱ به‌طور خاص پروژه‌های تحقیقاتی خود را توسعه داده تا راهبردهای انطباق را به آموزش عمومی، عناصر بومی، قومی و محلی منطبق نماید و این پروژه‌های تحقیقاتی در درازمدت به معنای تعادل برخی از آثار منفی شناخته شده جهانی شدن است.

اسمیت^۲ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «از تنش به همنوایی: جهانی‌سازی و محلی‌سازی در استرالیا» می‌نویسد که جهانی‌سازی از نگاه ما، منافع و الگوهای مصرف را به زمینه‌های وسیع‌تر می‌برد و با این حال ظهور جهانی شدن نیز فواید متفاوتی را در زمینه منطقه‌گرایی و بومی‌سازی، کشف مکان و همچنین تا حدی بازآفرینی جامعه را به وجود می‌آورد.

روزنانی^۳ (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «اسلامی کردن برنامه آموزشی و تحصیلی» می‌نویسد: تلاش شده تا مشکلات موجود در ساختار برنامه‌ریزی در نظام آموزشی کشورهای اسلامی روشن گردد. برنامه‌ریزان تربیتی باید نسبت به این موضوعات حساس بوده و ضمن آگاهی از آن‌ها، مشوق تغییرات برنامه‌ریزی پیشنهادی باشند زیرا توجه داشتن به این امر در تقویت توانمندی امت اسلامی مهم است.

هافمن^۳ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «مهار جهانی شدن، چالش پیش روی نهضت بومی‌سازی» می‌نویسد: تعجبی ندارد که حلقه‌های رسمی علمی مغرب زمین با حمله‌ی بومی‌گرایان به غرور فکری پژوهشگران اروپایی و آمریکایی هم‌دل نبوده‌اند. برای مثال برخی مخالفان؛ مرام بومی‌گرایان را خودپرستانه، جدلی، ذات‌انگارانه، جزمی، ضدمدرن، ارتجاعی؛ بیگانه‌پرست و خردنگر خوانده‌اند. بومی‌سازی برنامه‌ی اصیل و پرچالش است که به دست هواخواهان تمدن‌های گذشته آغاز شده و به نیت چیرگی یافتن بر انفعال کنونی در برابر فشار بی‌وقفه‌ی مدرنیته ادامه یافته است.

سینها^۴ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «به سوی بومی‌سازی روانشناسی در هند» می‌نویسد: با توجه به ضرورت اصلاح نظام آموزش و پرورش برای آماده کردن دانش‌آموزان برای چالش‌های جهانی شدن و اقتصاد مبتنی بر دانش و مدل‌های آموزش معلمان در اقیانوسیه و آسیا به اندازه کافی

1. Universty Sains Malaysia
2. Robert James Smith
3. Stanley Hoffmann

موردانتقاد قرار نمی‌گیرند. آموزش معلمان نیاز به فرهنگ‌سازی بیشتری دارد، زیرا آموزش و یادگیری بهتر به‌عنوان فعالیت‌های فرهنگی شناخته می‌شود که استفاده از دانش بومی و محلی برای این کار مهم خواهد بود.

بررسی پیشینه‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد، هنوز پژوهشی که بر بنیاد پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی، به ارائه رهنمودهایی به منظور بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران پرداخته باشد، انجام نشده و صرفاً مقاله نوذری تا حدودی به این پژوهش نزدیک است و لکن محتوی آن متفاوت بوده و بیشتر به زمینه‌های برنامه درسی با ماهیت‌های عمومی و تجربی پرداخته است اما پژوهش حاضر، پیش‌فرض‌ها و رهنمودهای بومی‌سازی و اسلامی‌سازی برنامه درسی علوم تربیتی در ایران را مورد کندوکاو قرار می‌دهد؛ بنابراین متفاوت از پژوهش نوذری بوده و کاملاً نوآورانه است؛ لذا نتایج این پژوهش می‌تواند خلأ موجود در چنین پژوهش‌هایی را در ایران پر کند تا دست‌اندرکاران حوزه علوم تربیتی را نسبت به ضرورت بازنگری و تحول آن مدد رساند.

مبانی نظری

در این قسمت دو مفهوم اصلی یعنی بومی‌سازی و اسلامی‌سازی، تعریف می‌شود و سپس با توجه به موضوع مقاله جهت‌گیری مقاله در خصوص دو مفهوم مشخص می‌گردد.

بومی‌سازی

«بومی‌سازی^۱ علم، به مفهوم شکل‌گیری علوم در یک بستر فرهنگی، تاریخی و تجربی جامعه ای خاص است به گونه‌ای که این علم بتواند پاسخ‌گوی نیازهای آن جامعه باشد» (چیدری، ۱۳۹۰). بومی‌سازی فرایندی پویا است که شرایط فرهنگی، اجتماعی، دینی، زبانی، اقتصادی و تاریخی جامعه محلی و منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود و با مقتضیات زمانی، مکانی، جغرافیایی؛ ضرورت‌ها و نیازهای آن جامعه هماهنگ بوده و از مزایای علوم، فرهنگ و تمدن جهانی هم برخوردار باشد. نکته حائز اهمیت این است که «به‌هیچ‌وجه منظور از بومی‌سازی، تنزل سطح علوم تربیتی از حیث تولید و دامنه شمول آن به مسائل محلی، بومی و منطقه‌ای نیست، بلکه توجه به واقعیت‌های عینی

1. Indigenization

جامعه، یعنی توجه به آداب و رسوم، فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای خاص جامعه بومی و محلی است» (برزگر، ۱۳۹۰: ۲۲).

اسلامی‌سازی

اسلامی‌سازی علوم در واقع مجموعه‌ای از تلاش‌هاست که در راستای تعامل آموزه‌های فرهنگ اسلامی و دانش بشری برای رسیدن به هنجارها و آموزه‌های اسلام مطرح شده است. آنچه مفهوم اسلامی‌سازی را تبیین می‌کند، آن است که علومی مانند علوم انسانی و علوم تربیتی باید با توجه به فرهنگ اسلامی و باورهای دینی، ساماندهی شود و بر مبنای جهان‌بینی اسلامی تولید، استخراج و یا اقتباس گردد. «مفهوم اسلامی‌سازی برنامه درسی یک رشته علمی به مطلبی فراتر از اسلامی‌سازی علومی که ماهیت تجربی دارند، اشاره می‌کند. عناوین درسی‌ای که تحت عنوان رشته علوم تربیتی در دانشگاه تدریس می‌شود، بسیار متعدد و متنوع است. مفهوم اسلامی و بومی‌سازی رشته علمی برحسب ماهیت عناوین درسی و نقشی که هر کدام در دستیابی به اهداف اسلامی و بومی‌سازی دارد، معلوم می‌شود» (نوذری، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

با توجه به این که برای بومی‌سازی علوم تربیتی باید از فرهنگ، سنت و باورهای جامعه استفاده شود و قسمت اعظم فرهنگ جامعه بومی و ملی ما منبعث از فرهنگ اسلامی است، لذا برای بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی، استفاده از معیارها و شاخص‌های اسلامی و مبانی توحیدی؛ امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی عجین شده و بومی‌سازی توأم با اسلامی‌سازی مطلوب به نظر می‌رسد. در مقاله حاضر مفهوم بومی‌سازی توأم با نگرش اسلامی‌سازی را ملاک عمل قرار گرفته شده و بنابراین هر برنامه آموزشی در حوزه علوم تربیتی در ایران توأمان باید به علم، بستر فرهنگی جامعه و آموزه‌های وحیانی و اسلامی در تربیت آحاد جامعه همت گمارد.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از این پژوهش شامل دو بخش است، یکی شناسایی و استخراج پیش‌فرض‌ها و دیگری ارائه رهنمودها که در ابتدا با کندوکاو در منابع و مآخذ مختلف حوزه‌های بومی‌سازی و

اسلامی سازی، اطلاعات و داده‌های متنی، متنوع و پراکنده؛ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و به داده‌های تفصیلی، منظم و غنی تبدیل شد. در این راستا کلیه اسناد، مدارک و منابع در دسترس و مرتبط با موضوع (اعم از کتاب، مقالات و سایت‌ها)، به‌طور هدفمند مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. این تحلیل و بررسی‌ها، منجر به استخراج پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی گردید. آنگاه بر بنیاد پیش‌فرض‌های مربوطه، رهنمودهایی در ذیل هر پیش‌فرض به‌منظور بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران، تدوین و ارائه شد.

پیش‌فرض‌ها و رهنمودهای بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی در ایران

پیش‌فرض اول: اصالت اقتباس در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی

علوم تربیتی به‌عنوان یک رشته علمی و دانشگاهی برخاسته از فرهنگ غرب است (اخوی راد، ۱۳۸۸: ۲۵) و نگاهی به آثار به‌جای مانده در خصوص منابع و کتب اصلی به‌ویژه قبل از انقلاب فرهنگی و نیز بحث اعزام دانشجو به خارج در دانشگاه سپاهیان انقلاب در ایران، زمینه را برای انتقال و واردات متون و محتوی غربی برای رشته علوم تربیتی در ایران فراهم نمود چه‌بسا بسیاری از اساتید همان محتوی را که در دانشگاه‌های غربی به‌عنوان منبع درسی مطالعه کرده بودند دست به ترجمه بی‌کم‌وکاست همین آثار علمی زدند. شاید بتوان گفت هدف اصلی انقلاب فرهنگی اصلاح و توجه دادن به چنین مسائلی در حوزه علمی و دانشگاهی بود تا دست‌اندرکاران دانشگاهی را نسبت به این موضوع آگاه سازد. «در واردات علوم انسانی برخلاف علوم طبیعی باید علاوه بر ترجمه، اقدامات تکمیلی و اقتباس نقادانه و گزینشی داشت و به‌صورت مختلف در آن‌ها دخل و تصرف کرد تا بتوان متناسب با مقتضیات بومی از آن‌ها بهره‌مند شد و آن‌ها را به فناوری ایرانی تبدیل کرد» (برزگر، ۱۳۹۰: ۲۱)؛ لذا در عرصه بومی‌سازی و اسلامی‌سازی؛ کسی که اقتباس می‌کند و عناصر موردنیاز خود را از خارج برمی‌گزیند و این عناصر را در داخل به کار می‌گیرد و آن را جذب می‌کند و همچنین آن را به دلخواه خود تغییر دهد؛ این نوع اقتباس عامل پیشرفت فرهنگ یک ملت خواهد شد. در واقع «این روش بیانگر ارتباط میان انسان، علم و برنامه درسی است. دقیقاً بر اساس طبیعت دوگانه روحی و جسمی انسان، برنامه‌ریزی درسی هم باید

دارای مرکز هسته‌ای و متشکل از علم و حیانی یا نقلی باشد که تأمین‌کننده نیازهای فکری و جسمی انسان برای رشد اجتماعی است» (روزنانی، ۱۳۸۱: ۹۶).

اقتباس در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی باید بر روی نگرش بومی نسبت به علوم تربیتی و اسلامی تأکید داشته باشد و خواننده متون غربی بایستی عقیده نویسنده فرنگی را با احتیاط مطالعه کند زیرا هجوم تبلیغات بر ذهن و افکار افراد جامعه؛ زمان و مکان نمی‌شناسد و در این ارتباط، رسانه‌های غربی کاملاً برنامه‌ریزی شده بر افکار افراد جامعه به‌ویژه جوانان با تأثیر منفی رسوخ نموده و مانعی در برابر خود نمی‌بینند (برزگر، ۱۳۹۰)؛ بنابراین در بومی‌سازی علوم تربیتی علاوه بر ترجمه باید اقتباس نقادانه و گزینشی داشت تا بتوان متناسب با مقتضیات بومی از آن بهره‌برداری کرد که در این رهیافت علم جهانی و میراث بشری با مسائل و نیازهای جامعه ایرانی و اسلامی به تعدیل و سازگاری برسد.

بدون شک «بومی‌سازی علوم انسانی تنها به ایران تعلق ندارد، این موضوع یک جریان جهانی شده و در کانادا، چین، مالزی و هند نیز اتفاق افتاده است، زیرا در گذشته، غرب این علوم را تولید و به دیگر کشورها صادر می‌کرد، اما امروز در هر کشور، مسئله‌هایی وجود دارد که پاسخ گفته نمی‌شود و برای حل این مسائل، آنان به دنبال بومی‌سازی هستند» (نقیب‌زاده و خرمشاد، ۱۳۹۵: ۳)؛ بنابراین اصالت دادن به اقتباس در بومی‌سازی علوم تربیتی بومی و ملی منجر به تقویت بومی‌سازی علوم انسانی شده و در عرصه بومی‌سازی علوم تربیتی؛ کسی که اقتباس می‌کند و عناصر موردنیاز خود را از خارج برمی‌گزیند و این عناصر را در داخل به کار می‌گیرد و آن را جذب می‌کند و همچنین آن را به دلخواه خود تغییر دهد؛ این نوع اقتباس که به‌طور منطقی و با تأمل صورت می‌پذیرد، عامل پیشرفت فرهنگ یک ملت خواهد شد. بر این اساس باید در ترجمه و حتی در اقتباس، منافع ملی و بومی و اسلامی در نظر گرفته شود.

اگرچه در بومی‌سازی اصالت به اقتباس است، اما یادآوری این نکته مهم است که تمایل به مطالعه آثار ترجمه‌شده غربی موجب دوری محققان و پژوهشگران از تحقیقات اصولی و بومی شده است. «عدم اعتقاد برخی از استادان دانشگاهی به بحث بومی‌سازی تا حد زیادی در ایجاد نگرش ترجمه‌ای تأثیر داشته است، بنابراین ترویج و ترجمه آثار علوم انسانی غربی بدون نقد دقیق آن‌ها می‌تواند به مانعی مهم در راستای بومی‌سازی علوم انسانی بدل شود. (پوریانی، ۱۳۹۱). بر این

اساس می‌توان گفت که راز ماندگاری فرهنگ و سنت هر ملت در عین شدن آن با فرهنگ و روحیات مردم آن مرزوبوم است. در مجموع با توجه به این که برای بومی‌سازی علوم تربیتی باید از فرهنگ، سنت و باورهای جامعه استفاده شود و قسمت اعظم فرهنگ جامعه بومی و ملی ما منبعث از فرهنگ اسلامی است، لذا برای بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی، استفاده از معیارها و شاخص‌های اسلامی و مبانی توحیدی؛ امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی عجین شده و بومی‌سازی توأم با اسلامی‌سازی مطلوب به نظر می‌رسد.

رهنمود اول: بررسی انتقادی متون وارداتی و اقتباس در ترجمه آثار غربی در حوزه علوم تربیتی

این رهنمود بر مبنای پیش‌فرض اصالت اقتباس در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی استوار گردیده است و این مبنا می‌تواند مسیر درست ترجمه آثار غربی را در عرصه بومی‌سازی علوم تربیتی رهنمون سازد. بدون شک تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اعتقادی ملت‌های سراسر دنیا، نظام تعلیم و تربیت متفاوتی را به وجود می‌آورد. بر این اساس، اقتباس از ساختار، برنامه، محتوا؛ سازمان یا روش تربیتی یک کشور بیگانه بدون توجه دقیق به فرهنگ، ارزش‌ها و نیازهای اقتصادی و اجتماعی مربوط به آن اشتباه بزرگی است که بیش از هر عامل تهیه‌کننده اجتماعی، فرهنگی، سیاسی دیگری می‌تواند مشکلاتی را به وجود آورد. بررسی انتقادی متون وارداتی و اقتباس در ترجمه آثار غربی در حوزه علوم تربیتی، نشان می‌دهد که استفاده بی‌قید و شرط و تفسیری از کتاب‌ها، مجلات، سرگرمی‌ها و فضاهای مجازی نامناسب، فیلم‌ها و ساختن معبد‌های مصرف برای استفاده غیرضروری از کالاهای تبلیغی، فرهنگی و اقتصادی غیربومی؛ علوم انسانی و علوم تربیتی بومی را به استفاده از این محصولات غربی ترغیب می‌کند.

بررسی انتقادی متون وارداتی و اقتباس در ترجمه آثار غربی در عرصه بومی‌سازی علوم تربیتی امری انکارناپذیر است. تبلیغ، ترویج و یکپارچه‌سازی مصرف‌های غیرضروری و تفسیری از طریق حذف مرزهای فرهنگی، تحرک بی‌قید و شرط اطلاعات، تبادل فناوری و پخش آن و افزایش تقاضای عمومی مصرف‌گرایی بسته‌های خام و کنترل نشده که ناشی از قدرت اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات است، به‌عنوان شاخص‌های مهم در ارسال بسته‌های فرهنگی غرب محسوب می‌شوند؛ بنابراین تأکید می‌شود که «در حوزه علوم انسانی باید آثار و کتب فرنگی را با احتیاط

خواند و اقتباس کرد. تاریخ و سفرنامه و حتی تاریخ علم به هر زبان فرنگی که باشد کم‌وبیش به رنگ حسد و کینه و تعصب نژادی و دینی و اروپا پرستی آلوده است و قبول همه مطالب آن‌ها بی‌دقت و بدون تأمل از خامی و ساده‌لوحی است. پس در این قبیل موارد خواننده باید عقیده نویسنده فرنگی را به احتیاط مطالعه کند و فرنگی بودنش را نه موجب رد بداند و نه موجب قبول» (برزگر، ۱۳۹۰).

بعلاوه در مطالعه انتقادی متون غربی نه تنها باید احتیاط کرد بلکه باید جنبه‌های مثبت و ارزشی آن‌ها را در تقویت ارزش‌های ملی و اسلامی مدنظر قرار داد و آنچه به دست آمده را با ارزش‌های الهی و تربیتی تلفیق و طرحی نو در تألیف و ارزیابی ترجمه‌ها در انداخت تا خواننده متون مربوط به علوم تربیتی قدرت ارزیابی و قدرت تمیز درست از نادرست را داشته باشد. بر این اساس در زمینه توجه به اقتباس در ترجمه آثار غربی در عرصه بومی‌سازی علوم تربیتی، توسعه منابع انسانی و تربیت نیروی انسانی ماهر، شناخت فرآیندهای تغییر ساختار اجتماعی و الگوهای تربیتی در فرهنگ ملی، بومی و جامعه جهانی مهم و ضروری است و بنابراین «بومی‌سازی الگوهای تربیتی از وظایف مهم نظام تعلیم و تربیت کشور است که البته این امر مهم نیازمند تحقیق و پژوهش بیشتری در جهت شناخت فرهنگ و بافت کشور است» (جلالی، ۱۳۹۷: ۵).

پیش‌فرض دوم: توجه به مضامین اسلامی و فرهنگ ملی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی

برای بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی در ایران، اولویت دادن و توجه به مضامین اسلامی و فرهنگ ملی بسیار مهم و امری حیاتی است، چنین توجه و اولویتی نه تنها آثار منفی فرهنگ غرب را شناسایی خواهد نمود بلکه زمینه اتخاذ رویکرد اسلامی را در محتوی این رشته فراهم خواهد نمود. در این فرآیند باید آرا و افکار صاحب‌نظران تحلیل و بررسی گردد که شناخت ابعاد مختلف شرق و غرب و نیز پیش‌اسلامی و نقاط ضعف و قوت آن‌ها در بسیاری از جنبه‌ها به‌ویژه در حوزه علوم تربیتی امری ضروری است؛ بنابراین «پدیده‌های انسانی و رفتاری به خاطر تأثیر متقابل و پیچیده‌ای که بین انسان و فرهنگ وجود دارد، باید در بطن هر جامعه و فرهنگ خاص آن مورد مطالعه قرار گیرد» (اخوی راد، ۱۳۸۸: ۲۵). بر این اساس و در این مقایسه دو مطلب ممکن است اتفاق بیفتد، یکی اینکه واقعاً فرهنگ بومی و ملی قوی‌تر و بهتر است که در

این صورت باید به حفظ آن پرداخت و یا اینکه فرهنگ و بینش خودی دارای نواقصی است که در این زمینه نیز باید اصلاح و اقتباس گردد و با تلفیق فرهنگ اسلامی، فرهنگ و آداب بومی نیز تقویت شود و ارتقاء یابد و از حجمه‌های احتمالی در امان بماند؛ زیرا «بینش غربی و جهانی شدن به‌عنوان پارادایم عصر حاضر می‌رود تا کلیه شئون زندگی بشر را دستخوش تحول نماید. درهم تنیدگی اقتصادهای جهان، سازمان‌های غیرملی و شتاب فزاینده تحولات، راه را بر فعالیت شبکه‌های فراملی در همه عرصه‌ها هموار کرده است» (سرفرازی و حمیدی، ۱۳۸۹: ۱).

تأکید بر این نکته مهم است و باید توجه داشت که بومی‌سازی و اسلامی‌سازی نقطه مقابل جهانی شدن و جهانی‌سازی نیست بلکه تعدیل تنش به‌همنوایی است و چنانکه اسمیت (۲۰۰۸) می‌نویسد: جهانی‌سازی از نگاه ما، منافع و الگوهای مصرف را به زمینه‌های گسترده‌تر می‌برد. اگرچه ظهور جهانی شدن نیز منافع متفاوتی را در زمینه منطقه‌گرایی و محلی‌سازی، کشف مکان و تا حدی بازآفرینی جامعه را به وجود می‌آورد، ولی باین حال حفظ و دفاع از ارزش‌های ملی و بومی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است». توجه به مضامین اسلامی و فرهنگ ملی و آشنایی بیشتر با آن، تسهیلگر بومی‌سازی علوم تربیتی است. این شناخت و آشنایی هرچه بیشتر و عمیق‌تر باشد، باعث درک بهتر تشابهات و تفاوت‌های موجود میان دو قطب شرق و غرب در زمینه علوم انسانی و علوم تربیتی می‌گردد.

بدون شک، شناخت و درک عمیق اندیشمندان حوزه علوم تربیتی، پیرامون آرا و اندیشه‌های دانشمندان و عالمان هر دو قطب شرق و غرب کمک شایانی به تصمیمات مربوط به برنامه درسی رشته‌های علوم تربیتی در بومی‌سازی این رشته خواهد کرد. با اندکی تأمل می‌توان نتیجه گرفت که برای حفظ میراث فرهنگی و سنن علمی و انتقال آن‌ها به نسل‌های جدید؛ باید پیش‌فرض توجه به مضامین اسلامی و فرهنگ ملی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی را مورد تأیید و تأکید قرار دهیم و درعین حال برای بسط تفکر و روحیه علمی در جامعه از محاسن و پیشرفت‌های غرب نیز هرگز نباید غافل شویم؛ لذا تلفیق بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی هم به معنی بازنگری در مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی و رجوع به مبانی و اصول اسلامی و هم به معنی بازگشت به سنت و اصالت بومی در حوزه علوم انسانی و علوم تربیتی خواهد بود.

رهنمود دوم: شناسایی و معرفی چهره‌های متفکرین بومی و اسلامی در تاریخ علوم تربیتی ایران

بر اساس پیش فرض دوم؛ یعنی توجه به مضامین اسلامی و فرهنگ ملی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی، در شناسایی و معرفی چهره‌های متفکرین اسلامی و بومی باید به گونه‌ای عمل شود که دانشمندان معرفی شده بومی و مسلمان، امکان رقابت با چهره‌های متفکرین غربی را دارا باشند. لذا طرح این موضوع با حضور عالمان و اندیشمندان مسلمان، بومی و ملی، امری ضروری است، ولی نباید یک مجموعه ناهماهنگ و ناموزون تشکیل شود که همه چیز در آن باشد اما هیچ کارکرد، جایگاه و نقش مؤثری در جامعه نداشته و از درون دچار بی‌نظمی، ناهماهنگی‌ها و تناقضات متعدد شده باشد؛ بنابراین برای رفع این تناقضات و ناهماهنگی‌ها حضور فعال اندیشمندان و عالمان در عرصه‌های مختلف علمی به‌ویژه از منظر تربیتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این حضور از دو راه می‌تواند تأثیرگذار باشد، یکی به‌طور زنده در فرایند کار و دیگری به‌صورت داشتن آثار ماندگار در تاریخ علوم تربیتی و علوم دینی است. حضور دانشمندان بومی و اسلامی در جریان پیشرفت‌های علمی هم در سطح محلی و ملی و هم در سطح جهانی زمینه حضور علوم تربیتی بومی و اسلامی را مهیا نموده و از مهاجرت و فشار بر متفکرین جلوگیری می‌شود؛ لذا «جامعه باید خود تولیدکننده علم و علم‌ساز باشد. تولیدکننده اندیشه و اندیشه‌ساز باشد و لازمه این امر آن است که صاحب علم و اندیشه دارای آزادی و استقلال باشد؛ یعنی باید در جامعه شرایطی حکم‌فرما باشد که او بتواند به‌آسانی به حیات سیاسی، فرهنگی و علمی خود ادامه دهد» (فلاح، ۱۳۸۹).

در مجموع «از همان آغاز شکل‌گیری شاکله و بنیاد فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی در قرن دوم هجری، تمامی تلاش‌های اندیشمندان و فرهیختگان این مرزوبوم متوجه نهادینه شدن علم و معرفت و رسوخ دانش در بنیادهای این تمدن نوپا گردید. وجه مشترک تحقیقات و پژوهش‌های همه اندیشمندان ایرانی - اسلامی همچون زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، ابن‌سینا، خوارزمی، فارابی، خیام، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ بهایی و دیگران، هدفمندی و معناگرایی علم بوده است» (فرزانه پور، ۱۳۸۷). بر این اساس، شناسایی، معرفی و بزرگداشت اندیشمندان و عالمان علوم تربیتی و ایجاد همایش‌های منطقه‌ای، بومی، ملی و جهانی؛ نقش بسیار مهمی در توسعه

همه‌جانبه علوم انسانی دارد. همچنین چاپ و انتشار مقالات، کتب و سخنرانی‌ها و تهیه فیلم و سریال تلویزیونی از زندگی بزرگان این حوزه می‌تواند گامی اساسی و مؤثر در پیشبرد بومی‌سازی و اسلامی شدن برنامه درسی علوم تربیتی در ایران باشد.

پیش‌فرض سوم: نگاه نوگرایی - بومی‌گرایی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی

نگاه نوگرایی - بومی‌گرایی در مقابل نگاه صرفاً بومی‌گرایانه اغلب در عرصه بومی‌سازی علوم تربیتی در اشکال مختلف مطرح بوده است. بر اساس این پیش‌فرض، نوگرایی، بومی‌گرایی و نگاه اسلامی، رابطه متقابل و متضادی ندارند بلکه مکمل یکدیگرند و انگهی تعدیل دو فاکتور اخیر و اضافه شدن فاکتور سوم به نام اسلامی‌سازی، بر بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی آثار مثبت فراوانی خواهد داشت و بر عزم ملی، نگاه اسلامی و روحیه نوگرایی خواهد افزود. «گسترش روحیه نوگرایی در جامعه می‌تواند عامل مؤثری در راستای رفع موانع بومی‌سازی باشد و آزاداندیشی و شجاعت علمی، در کنار تعهد به ارزش‌های اسلامی و اقدام به برنامه‌ریزی در سطح کلان در آموزش و پرورش از جمله لوازم تحقق بخشیدن به هدف فوق است (پوریانی، ۱۳۹۱). البته تفسیرهای دیگری از بحث بومی‌گرایی به چشم می‌خورد که قابل تأمل می‌باشد. مثلاً بروجردی (۱۳۸۸) معتقد است که «بومی‌گرایی همانا بیان نگرانی‌ها و اضطراب‌ها و تمناهای فکری یک جامعه است که گاه در شکل غیرمتعارف خود به بیگانه‌ستیزی، بیگانه‌هراسی یا وجهی از باور به برتری افکار خودی در مقابل دیگری انجام شده است (بروجردی، ۱۳۸۸: ۶۱)». «درحالی‌که عالمان علوم تربیتی در ایران نایستی با این نوع نگاه پیش‌بروند بلکه با آغوشی باز و با نگاه گزینشی جنبه نوآوری‌های برنامه درسی علوم تربیتی را حداقل هر پنج سال یک‌بار به‌روزرسانی کنند» (لوی، ۱۳۹۳: ۹۴).

نگاه نوگرایی - بومی‌گرایی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی منجر به گسترش روحیه نوگرایی در جامعه و عامل مؤثری در راستای رفع موانع بومی‌سازی و اسلامی‌سازی است. شجاعت علمی در کنار تعهد به ارزش‌های اسلامی و اقدام به برنامه‌ریزی در سطح کلان در آموزش و پرورش از جمله لوازم تحقق بخشیدن به حل موانع و مشکلات فراروی بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی در ایران است (لوی، ۱۳۹۳). بر همین اساس می‌توان گفت «ماهیت آن علمی

که محتوای تعلیم و تربیت را فراهم سازد مورد توجه عمده برنامه درسی است و این دیدگاه‌ها نسبت به انسان و معرفت، با تعلیم و تربیت اسلامی ارتباط زیادی دارند» (روزنانی، ۱۳۸۱: ۹۵).

خلاصه آنکه «هواداران بومی‌گرایی بر آن‌اند که پژوهش‌های علم اجتماع، چراغی است که پیش از هر چیز به خانه رواست. چه هنگامی که دانشمند بومی علم اجتماع، واقعیت‌های بومی را تحلیل کرده و با نگاه تازه‌ی خود به رفتار انسانی تصویری تازه از آن‌ها نقش می‌کند در همان حال، هم بر محتوا و هم بر غنای روش‌شناختی و کاربردی این شاخه از دانش می‌افزاید» (هافمن، ۲۰۰۲).

پیام مهم پیش‌فرض نگاه بومی‌گرایی - نوگرایی و اسلامی‌سازی در بومی‌سازی علوم تربیتی آن است که این عامل می‌تواند منجر به گسترش روحیه نوگرایی در جامعه و عامل مؤثری در راستای رفع موانع بومی‌سازی باشد. تعدیل و تعامل بومی‌گرایی با نوگرایی امری ضروری است و تضاد و تنش میان این دو نگرش، مخاطراتی را برای فرهنگ و ارزش‌های معنوی و اسلامی جامعه فراهم می‌کند و مانع مهمی در مسیر پیشرفت آن می‌گردد. در مقابل افراط‌گری‌ها و تعصب‌های شدید فرهنگی، ملی و مذهبی که افراد و گروه‌ها؛ خود را نژاد برتر و فرهنگ و مذهب خود را غنی‌تر و بهتر از دیگران می‌دانند؛ گروه‌ها و دسته‌هایی هم هستند که نسبت به وطن، ملیت، دین، مکتب، مذهب و مردم خود بی‌اعتنا و بی‌تفاوت هستند. این گروه که اغلب خود را روشنفکر و مترقی هم قلمداد می‌کنند، سنت و اخلاق و خانواده را به فراموشی سپرده و از فقر معنوی رنج می‌برند. تعدیل و تذهیب افکار و اندیشه این دو گروه که یکی در اوج افراط و دیگری در نهایت تفریط است، کاری بسیار مشکل و نیازمند عزم ملی است تا این مسیر ناهموار با تعامل و همراهی عالمان و اندیشمندان به مقصد برسد. در مجموع اعتقاد بر آن است که نوگرایی هویت‌های فرهنگی را باز و گسترده می‌نماید و باعث انعطاف و تکثر آن می‌شود ولی این گفته زمانی درست است که نوگرایی با دین و سنت به صورت تلفیقی بهینه و مطلوب، مسیر اقتباس را باز نگه دارد و در عین کثرت، راه وحدت فرهنگی را سد نکند تا شاخه‌ای از دانش مانند علوم تربیتی با نگاهی اسلامی و نوگرا - بومی‌گرا، بتواند در تلفیق بومی‌سازی و اسلامی‌سازی قرار گیرد و از ستیز غیرمتعارف با نوگرایی بر حذر باشد.

رهنمود سوم: استقبال از طرح‌های مبتکرانه بومی و اسلامی در حوزه علوم تربیتی

این رهنمود مبتنی بر پیش‌فرض نگاه نوگرایی، بومی‌گرایی است زیرا به هر اندازه، قدر و منزلت سرمایه‌های انسانی، فکری و معنوی رعایت شود، از مهاجرت و خروج نخبگان علمی و دانشمندان بومی و ملی کشور پیشگیری می‌شود. مهاجرت و فرار مغزها کلمه آشنا و البته پرچالشی است که در این ارتباط رهنمودهای رهبر انقلاب قابل توجه است: «البته من حق را به جوان‌های با استعداد خودمان می‌دهم؛ این‌ها حق دارند انتظار داشته باشند و مسئولان باید برای این‌ها کار کنند؛ در این تردیدی نیست؛ اما اگر آن‌ها کوتاهی کرده‌اند، معنایش این نیست که جوان ما هم برای خودش توجیهی درست کند. البته اگر انسان برای افزایش معلومات به خارج از کشور برود و برگردد، یا تحقیقی بکند و برگردد، این فرار نیست و اشکالی ندارد؛ اما این که انسان کوله‌بارش را ببندد و پشت کند و بگوید خداحافظ، ما رفتیم؛ نه این را من قبول ندارم» (خامنه‌ای، فروردین ۱۳۹۸).

استقبال از طرح‌های مبتکرانه بومی و اسلامی در حوزه علوم تربیتی و شناسایی ریشه فرار مغزها و ایجاد زمینه بکارگیری نخبگان جامعه نه تنها مانع از مهاجرت می‌گردد بلکه آن‌ها را تشویق می‌کند تا به تولید و خلاقیت علمی بپردازند. «اگر بتوانیم این بستر و فضا را مجدداً بازسازی و احیاء کنیم قادر به تولید علم، علمی که بومی و مبتنی بر واقعیات و نیازهای ما باشد، خواهیم شد» (فلاح، ۱۳۸۹). به‌رحال «بلای بزرگی که بر سر نسل‌هایی از جوانان کشور ما در دوره‌ای و در کشورهای دیگر آمده، این است که آن‌ها برای تحصیل علم به کشورهای دیگر رفته‌اند و چیزی هم یاد گرفته‌اند اما یک چیز مهم‌تر را جا گذاشتند و فراموش کردند و آن، هویت فرهنگی و ملی خودشان بوده است. این‌ها به هر کشوری برگشتند، اگرچه عالم و از لحاظ علمی شاید مفید بودند؛ اما مثل یک بیگانه در کشور خود عمل کردند و نتوانستند به هدف‌های اساسی کشور و ملی خود خدمت لازم را بکنند» (خامنه‌ای، فروردین ۱۳۹۸)؛ بنابراین استقبال از طرح‌های مبتکرانه بومی و اسلامی در همه حوزه‌ها به‌ویژه در علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم تربیتی و همچنین انجام پژوهش‌های میدانی در مورد علل مهاجرت نخبگان و موانع بازگشت آن‌ها، بررسی تجارب کشورهای موفق در برخورد با پدیده فرار مغزها، انعکاس نتایج تحقیقات و تجارب مسئولین و عموم مردم در جهت اصلاح نگرش به پدیده فرار مغزها؛ می‌تواند در بارآوری تفکر منطقی

نخبگان و رهایی جامعه از افتادن در دام فرهنگ غیربومی مؤثر باشد و در استقلال علمی کشور نیز مفید خواهد بود.

خروج سرمایه‌های انسانی، فکری و معنوی از کشور، منجر به بحران دانش می‌شود. یکی از موانع بومی‌سازی و اسلامی‌سازی به‌ویژه در حوزه علوم تربیتی، بحران دانش است که به صورت‌های مختلف ظهور و بروز پیدا می‌کند. وقتی قدر و منزلت نخبگان جامعه به‌خوبی شناخته نشود و به صورت مختلف در رنج و مضیقه باشند، ناچار از مرزوبوم خود مهاجرت کرده، در آن‌سوی مرزها به تحصیل می‌پردازند و گاهی به دلایل مختلف از جمله مشکلات مالی در آن‌سوی مرزها؛ مجبور می‌شوند علم و تجربه خود را در اختیار کشورهای غربی قرار دهند و به‌جای ترویج سنت و فرهنگ اصیل خود، فرهنگ غرب را پذیرفته و از اصالت فرهنگی خود فاصله می‌گیرند؛ اما با ترغیب و تشویق این نخبگان به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و علوم تربیتی می‌توان الگوهای مطلوب در عرصه‌های گوناگون این علوم، طرح و اجرا نمود و از خروج نیروهای فکری و علمی و همچنین از مهاجرت نخبگان مستعد ملی و بومی جلوگیری کرد.

در مجموع، استقبال از طرح‌های خلاقانه بومی و اسلامی در همه علوم و به‌ویژه در حوزه علوم تربیتی راهگشای بسیاری از مشکلات علوم انسانی و علوم اجتماعی است و منجر به رفع نیازهای جامعه بومی و اسلامی خواهد شد. در زمینه علوم انسانی و علوم تربیتی «بومی‌سازی برای ما یک ضرورت است. نیازها را باید تا حداکثر رفع کنیم تا نیازمند نباشیم. بومی‌سازی از ضروریات اولیه ماست، ولی شأنی به آن داده نشده است. اجماع نخبگان در حوزه‌های مختلف نیاز است، چراکه جهان یک‌بعدی نیست» (گلشنی و خاکبان، ۱۳۹۵). در چنین رویکردی می‌توان گام‌هایی در رفع بحران دانش نیز برداشت و از خروج نخبگان پیشگیری کرد. مواجهه صحیح با ایده‌های نو و تشکیل انجمن‌های اساتید در هر حوزه و حمایت مالی و در نظر گرفتن تشویق مالی برای تولید ایده‌های مبتکرانه و در نظر گرفتن بودجه و اعتبارات لازم دولتی، نظارت دقیق بر محصول و پژوهش تولید شده در حوزه بومی و اسلامی در زمینه برنامه درسی علوم تربیتی از جمله دستورالعمل مهمی برای تحقق این رهنمود محسوب می‌گردد که باید در دستور کار مجلس شورای اسلامی و جزئی از ردیف‌های بودجه‌ای سالانه مجلس قرار گیرد.

پیش‌فرض چهارم: اصالت دادن به تولید محتوای مبتنی بر فرهنگ بومی و اسلامی

هر کشوری در برنامه درسی رشته علوم تربیتی معمولاً تلفیقی از محتوی جهانی بومی و ارزشی خود استفاده می‌کند متناسب با مفهومی بومی شدن به این معنا نمی‌توانیم نسبت به منابع علمی و میراث مشترک فرهنگی بی‌تفاوت باشیم. ولی باین حال بایستی با توجه به فرهنگ کشور ایران و نیز عجین شدن این فرهنگ با فرهنگ اسلامی و حیانی، این پیش‌فرض اهمیت پیدا می‌کند؛ لذا تعدیل و تغییر در نگرش‌ها و توجه به معایب و محاسن فرهنگ غرب و شناسایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌های آن؛ و نیز احصای قابلیت‌های منابع اسلامی و حیانی و استقبال از ایده اساتید معتقد و متدین به اسلام و فرهنگ ایرانی هم برای بومی‌سازی و هم برای اسلامی‌سازی امری ضروری است. این پیش‌فرض به ما می‌گوید در انتخاب، تدوین و تحقیق و نیازسنجی بهبود برنامه درسی علوم تربیتی، جهت‌گیری بایستی به سمت اصالت دادن به محتوایی باشد که دمخور با فرهنگ بومی و اسلامی باشد. استفاده بی‌قید و شرط و تفتنی از کتاب‌ها، مجلات، سرگرمی‌ها و فضاهای مجازی نامناسب و ساختن معبد مصرف برای استفاده غیر ضرور از کالاهای فرهنگی غیر بومی؛ ارتقاء علوم تربیتی بومی و اسلامی را محدود کرده و منجر به ضعف و زوال آن می‌شود؛ لذا بر اساس پیش‌فرض مذکور، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی در ایران، علاوه بر نیاز به فرهنگ بومی، محلی و اسلامی؛ نیازمند همراهی و کمک علوم جدید است.

«برنامه ریزان باید نسبت به موضوعات برنامه درسی حساس باشند و ضمن آگاهی از آن‌ها، مشوق تغییرات برنامه‌ریزی پیشنهادی باشند. توجه داشتن به این امر در تقویت توانمندی سازی امت اسلامی مهم است و باید برنامه ریزان و مربیان تربیتی توجه لازم را به این وظیفه داشته باشند (روزنانی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). پدیده‌های انسانی و رفتاری به خاطر تأثیر متقابل پیچیده‌ای که بین انسان و فرهنگ وجود دارد، می‌بایست در بطن هر جامعه و با فرهنگ خاص آن با عنایت به شرایط بومی و نژادی هر اقلیم مورد مطالعه قرار گیرد. «رشته‌های علوم انسانی به خصوص در حیطه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و تعلیم و تربیت عمدتاً برخاسته از فلسفه، مفاهیم و نظریات پژوهشگران غربی و شرقی است» (اخوی راد، ۱۳۸۸: ۲۵).

به‌طور کلی مناقشات بسیاری در ایران در سه دهه اخیر درباره علوم انسانی و ضرورت تحول در آن صورت پذیرفته است که مهم‌ترین مناقشات درباره مدل‌های تحول بوده است و اگرچه

بارها افراد و گروه‌هایی دست به تحول و تولید محتوای بومی و اسلامی زده‌اند اما به دلایل مختلف ناقص و ابتر مانده و بعد از مدتی از رونق افتاده است. شاید دو دلیل عمده در این زمینه مؤثرتر به نظر می‌رسند. یکی عدم تولید محتوای قوی با اصالت بومی-اسلامی و دوم استفاده از بسته‌های باز نشده و ترجمه‌های بدون تأمل از فرهنگ غرب به جای استفاده مطلوب از اصالت‌های اسلامی، بومی و ملی است. نکته بعدی اسراف در استفاده بی‌قید و شرط و تفننی از امکانات موجود و مصرف بی‌اندازه در امورات بی‌هدف و بلااستفاده از قبیل فضاهای مجازی نامطلوب و هدر دادن وقت و تلف کردن عمر در مصرف کالاهای مضر و آلوده‌کننده ذهن و افکار افراد جامعه به‌ویژه جوانان است. مصرف نامعقول و عدم توجه به هدر دادن وقت، عمر و همچنین صرف امورات مالی برای موارد مضر و بی‌فایده از جمله دغدغه عالمان و اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت است. «صرفه‌جویی جزو اصولی است که در دین ما وجود دارد و در این باره توصیه‌های بسیاری از سوی ائمه، بزرگان دین، رهبران و دیگر افراد ارائه شده است (مسعودی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین برای زدودن چنین فضایی قبل از شکل‌گیری شخصیت دانشجویان در دانشگاه‌ها و عجنین شدن تفکر آنان با ایده‌هایی که آن‌ها را نسبت به فرهنگ اسلامی و بومی ناآشنا می‌سازد اقدام کرد و این خلأ را با مضامین علمی با جهت‌گیری اسلامی پر کرد که متناسب با این مشکل رهنمود زیر باید در دستور کار قرار گیرد.

رهنمود چهارم: تولید دانش بومی و اسلامی در حوزه علوم تربیتی

این رهنمود مبتنی بر پیش‌فرض اصالت دادن به تولید محتوای اسلامی و بومی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی است و همان‌طوری که ترجمه‌های مستمر و مداوم باعث رکود دانش بومی می‌گردد، اقتباس درست و انتقال صحیح موجب رونق و توسعه علوم بومی و اسلامی است. علوم تربیتی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر حفظ و انتقال سنت و فرهنگی ملی و بومی است؛ هرچند نمی‌توان تعلیم و تربیت را فقط تدارکی برای فرهنگی معین یا آماده کردن برای زندگی خاص دانست و تربیت کردن تنها توسل به تولید فوری یا توجه به قبول ارزش‌های فرهنگ حاضر نیست» (شاتو، ۲۰۰۵) اما بایستی از توان علمی، اسلامی و بومی هم نباید غافل شد، زیرا جامعه در حال توسعه، نیازمند عزم ملی و تولید دانش بومی است تا بتواند علاوه بر تلاش برای علوم بومی و ملی، زمینه دانش جهانی را نیز فراهم نماید. جامعه‌ای که نتواند از امکانات محلی و دانش

منطقه‌ای بهره‌مند شود نمی‌تواند فراملی فکر کند و علم بومی جز از طریق پرداختن متفکران و عالمان اجتماعی به مسائل آن جامعه شکل نمی‌گیرد.

علوم تربیتی زمانی می‌تواند در خدمت نیاز یک جامعه درآید که مستقیماً به مسائل آن جامعه پردازد و آن را با دیدی انتقادی و با روشی علمی موردبررسی قرار دهد و در همین رابطه فرهنگ و ارزش‌های جامعه هرگز با یکدیگر یکسان نبوده و لذا برنامه‌ای موفق خواهد بود که ارزش‌های ملی، میهنی و اسلامی را موردتوجه قرار داده و علاوه بر آن، از ارزش‌های انسانی و جهانی نیز غافل نگردد و ضد ارزش‌هایی را که متناسب با فرهنگ ملی، اسلامی و بومی نیست، به‌خوبی رصد کند و تغییر دهد. «بومی کردن علم به معنای وارد کردن علوم غربی همراه با تعدیل آن‌ها برحسب شرایط فرهنگی ایران بوده است؛ اما مقصود از علم بومی، علمی است که به‌طور مستقیم در شرایط فرهنگی کشور رشد کرده باشد» (باقری، ۱۳۹۶: ۲).

تولید و تلفیق دانش بومی، ملی و اسلامی، نظام تعلیم و تربیت را از حالت جمود خارج نموده و می‌تواند علاوه بر تولید بسته‌های فرهنگ بومی و اسلامی، اندیشمندان حوزه علوم تربیتی را به اقتباس مطلوب و مناسب از متون علوم انسانی غربی تشویق کند. «بومی‌سازی علوم اجتماعی و علوم انسانی به معنای جذب حداکثری علوم اجتماعی و انسانی مغرب‌زمین است. این پروژه به معنای پشت پا زدن به میراث غنی مغرب‌زمین در این حوزه نیست بلکه به معنای آن است که در واردات این دسته از معرفت برخلاف علوم طبیعی و بهره‌گیری از دستاوردهای آن باید علاوه بر ترجمه، اقتباس نقادانه و گزینشی کرد و به‌صورت مختلف در آن‌ها دخل و تصرف نمود تا بتوان متناسب با مقتضیات بومی و زیست‌بوم ایرانی از آن‌ها بهره‌برداری و آن‌ها را به فناوری ایرانی تبدیل کرد» (برزگر، ۱۳۹۰)؛ لذا در گام نخست بایستی اقدام به تولید بسته‌های آموزشی کرد که تمام محتوی آن با فرهنگ بومی و اسلامی عجین شده باشد و در گام دوم متفکران و عالمان این حوزه‌ها و به‌ویژه در حوزه علوم انسانی را که هم در حوزه علوم غربی تخصص دارند و هم بنیان‌های اسلامی و ارزشی خودشان را به‌خوبی می‌شناسند در کمیته‌ای برای تولید علم بومی و اسلامی و نوشتن محتوی‌های متناسب با هر حوزه دخالت داده شوند. شاید بتوان گفت برای تحقق این رهنمود علاوه بر انقلاب فرهنگی باید انقلابی در حوزه تولید محتوی اسلامی و بومی صورت بگیرد، کما اینکه در سال‌های اخیر شاهد تولید برخی از این متون از طرف پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه دیده شده است. این محتواهای تولید شده بایستی گسترش یابند و برای تولید و غنی سازی آن‌ها، باید هم به ارزش‌های جهانی توجه شود و هم با تحول در سرفصل‌های مصوب انقلاب فرهنگی و بازنویسی و تکمیل آن‌ها، زمینه را برای بومی سازی علوم تربیتی مهیا کرد و اساتید دانشگاهی را با معرفت‌افزایی اسلامی و میهنی بیشتر و بهتر آشنا نمود.

در مجموع مشکلاتی که به آن‌ها اشاره گردید اگرچه در حوزه دیگر دانش‌ها نیز ممکن است دیده شود اما آثار و عواقب سوء آن در حوزه علوم انسانی و علوم تربیتی، مخرب‌تر است. برای حل این مشکلات، عموماً راه کارهای متعدد و گاه متناقض پیشنهاد شده است که بعضی از آن‌ها نیز یکدیگر را خنثی می‌نمایند. مهم‌ترین راهکار پیشنهادی در این مورد، افزایش میزان هماهنگی دانش علوم انسانی و علوم تربیتی با محیط پیرامون و پردازش یک نظام علمی هماهنگ و متناسب با ساختار فرهنگی، دینی، بومی و ملی در کشور است؛ بنابراین تقویت و ارتقای کمیته بومی سازی علوم تربیتی در این زمینه می‌تواند در مجموعه علوم تربیتی نقشی اثرگذار و مهم را بر عهده داشته باشد و برخی از مشکلات و معضلات اساسی جامعه را که به دلیل غفلت از علوم انسانی و فقدان شأنت به این علوم پدید آمده است با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی برطرف سازد.

بنابراین با توجه به حضور پررنگ فرهنگ اسلامی در جامعه ما، توجه به مباحث اسلامی به‌منظور تقویت بومی سازی علوم تربیتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و تقویت کمیته بومی سازی علوم تربیتی باید متناسب با اهداف و آرمان‌های جامعه اسلامی باشد و از آنجایی که مکتب اسلام، همه ابعاد وجودی انسان از جمله بعد شناخت را مورد توجه قرار می‌دهد؛ لذا توجه به این بعد مهم در انتخاب اعضای کمیته مذکور بسیار مورد تأکید می‌باشد. روشنفکران و اندیشمندان حوزه علوم تربیتی، بایستی هم به بومی سازی و هم به مباحث اسلامی علاقمند بوده و از شناخت و آگاهی کافی در این زمینه برخوردار باشند.

پیش‌فرض پنجم: توجه به فطرت و ابعاد وجودی انسان در بومی سازی و اسلامی سازی علوم تربیتی

ضرورت توجه به ماهیت انسان و تفاوت‌های انسان‌شناسی در شرق و غرب به‌عنوان یکی از پیش‌فرض مهم اسلامی سازی علوم تربیتی است و مبتنی بر این پیش‌فرض که عمدتاً از ادبیات

حوزه اسلامی‌سازی حاصل می‌گردد، توجه به فطرت و ابعاد وجودی انسان در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی به‌عنوان یک پیش‌فرض اساسی استنتاج شده است. در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی، دو مفهوم انسان و محیط از واژه‌های بسیار مهمی هستند که ارتباط متقابلی با هم دارند. هم انسان می‌تواند بر محیط خود تأثیر بگذارد و هم محیط این توانایی را دارد که بر انسان اثرگذار باشد. این محیط شامل فضای اقلیمی، آب و هوایی، سرزمینی و یک محیط اجتماعی است که انسان در آن می‌تواند رشد کند. هر چه این محیط غنی‌تر باشد و بتواند نیازمندی‌های انسان را تأمین نماید، رشد او نیز بیشتر و بهتر خواهد بود. به اعتقاد باقری (۱۳۸۷) «علوم انسانی در حیطه موضوعی خود، فهم معمای انسان، تشخیص مسائل و ارائه طرحی برای رفع گرفتاری انسان را بر عهده دارند. علم‌شناسی معاصر نشان می‌دهد که علم، پدیده‌ای فرهنگی و انسانی و حاوی پیام‌های ارزشی است. با توجه به مسئله بحران در علوم انسانی و اجتماعی معاصر، سامان بخشیدن به حرکتی جدید در این عرصه ضروری است و گسترش راه مطالعه انتقادی نقطه عزیمت مطلوبی برای بومی‌سازی علوم اجتماعی است (باقری، ۱۳۸۷).

چنان‌که قبلاً هم اشاره شد «اساسی‌ترین ضرورت بومی‌سازی علوم انسانی، تفاوت نگاه جوامع به مفهوم انسان است و می‌توان گفت بومی‌سازی علوم انسانی قرار دادن این علوم در ظرف نگاه و ارزش‌هایی است که در جامعه‌ای مانند ایران در رابطه با بحث انسان و اجتماع وجود دارد؛ بنابراین شناخت مسائل جامعه، نقش مهمی در بومی‌شدن و تطبیق راه‌حل‌ها با فرهنگ دارد» (چیندزی، ۱۳۹۰) و برای تطبیق راه‌حل‌های مربوطه، فرایند تعلیم و تربیت رسمی در این زمینه نقش بسیار حیاتی ایفا می‌کند. در این فرایند رسمی، با توجه به ابعاد وجودی انسان، «لفظ آموزش و پرورش در مفهوم وسیع کلمه، به کلیه فرایندهایی اطلاق می‌شود که زندگی فرهنگی را برای انسان تأمین کند» (گوتک، ۲۰۰۷). به عبارت دیگر هر جامعه‌ای با فرهنگ و آیین خاص خود، دارای نیازمندی‌های متناسب و ویژه‌ای است و در یک خصوصیات بومی ویژه به سر می‌برد که به دلیل وجود همین خصوصیت‌ها و ویژگی‌ها، در برخی نیازمندی‌ها متمایز و متفاوت از سایر ملل است.

چنانکه ملاحظه گردید، ابعاد وجودی انسان از دیدگاه‌های مختلفی قابل تحلیل و بررسی است. شرق و غرب، مسلمان و غیرمسلمان و حتی دانشمندان رشته‌های مختلف، هر کدام انسان را از دیدگاه‌ها و منظر خود مورد توجه قرار می‌دهند و طرفداران بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم

تربیتی و علوم انسانی باید در این زمینه دارای آگاهی و شناخت مناسب در مورد ابعاد وجودی انسان باشند. بر این مبنای علوم انسانی حیثیتی وجودی و درعین حال مستقل از علوم غیرانسانی دارند. این حیثیت قبل از هر چیز فرهنگی است. بر این اساس، علوم انسانی دانش‌هایی هستند که مسئله و موضوع اصلی مورد بررسی آن‌ها انسان و مقاصد و نیات و انگیزه‌ها، اخلاق، سجایا، عادت‌ها، اراده و کنش‌های اوست (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵۷). توجه به فطرت انسان و ابعاد وجودی او در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی به‌عنوان یک پیش‌فرض، نیازمند توجه جدی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به همه ابعاد انسانی است. این ابعاد اعم از جسمانی^۱، شناختی^۲، روحی، احساسی^۳، فکری و مانند این‌ها، شایسته است با برنامه‌ریزی‌های مناسب از انحراف و هدر رفتن آن‌ها جلوگیری شود و هر کدام از این ابعاد با توجه به ظرفیت‌های موجود به رشد و تعالی برسد.

بر اساس این پیش‌فرض محتوی برنامه درسی علوم تربیتی بایستی با نگاه فطرت‌گرایانه و با نگاهی آیه‌ای به ماهیت انسان و ارزش و علم نگاه کند. منظور از این پیش‌فرض که کمی پیچیده هم هست این بوده که علوم تربیتی به‌طور کلی و دانشجو و استاد در رشته علوم تربیتی به‌طور اخص و در سایر رشته‌های علوم انسانی که تقریباً با ماهیت انسان و ارزش سروکار دارند جهت‌گیری محتوی برنامه درسی را با نگاه فطرت‌گرایانه و خدامحورانه ببیند. تحقق این پیش‌فرض اولاً مستلزم تولید محتوی متناسب با این پیش‌فرض در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه علوم تربیتی است که قبلاً بحث آن گذشت، ثانیاً به وجود اساتیدی نیاز داریم که به کمک آن‌ها، نگرش مریبان‌بازسازی و اصلاح گردد که رهنمود ذیل مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

رهنمود پنجم: کیفیت بخشی به تربیت نیروی انسانی، متناسب با نیازهای بومی و اسلامی

این رهنمود بر مبنای پیش‌فرض توجه به فطرت و ابعاد وجودی انسان در اسلامی‌سازی علوم تربیتی ارائه شده است. به کارگیری و کیفیت بخشی به تربیت نیروی انسانی متناسب با ساختار

1. Physical
2. Cognitive
3. Emotional

فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و مخصوصاً با توجه به نیازهای علوم تربیتی باید به تربیت نیروی انسانی مولد، ماهر و مفید بر اساس توانمندی‌های افراد همت گماشت و این امر مهم در شناخت افراد و ابعاد وجودی آن‌ها صورت می‌پذیرد. توجه به دو بعد جسمی و روحی انسان و متناسب با توانایی‌های جسمی، روحی و فکری او، می‌توان برنامه‌ریزی نمود. بدین منظور و به دلیل نیاز به مهارت‌ها و توانایی‌های ویژه برای اجرای برنامه‌های درسی علوم تربیتی، تحول در کیفیت نیروی انسانی آموزش عالی و نظام تعلیم و تربیت، همچنین رشد و پرورش مهارت‌های مدرسین و اساتید دانشگاهی امری ضروری است. بر اساس تعریف و شناخت ابعاد انسان از نگاه آرا و اندیشه‌های مختلف، اساسی‌ترین ضرورت بومی‌سازی علوم انسانی و علوم تربیتی «تفاوت نگاه جوامع به مفهوم انسان است و می‌توان گفت بومی‌سازی علوم انسانی قرار دادن این علوم در ظرف نگاه و ارزش‌هایی است که در جامعه‌ای مانند ایران در رابطه با بحث انسان و اجتماع وجود دارد؛ بنابراین شناخت مسائل جامعه، نقش مهمی در بومی‌شدن و تطبیق راه‌حل‌ها با فرهنگ دارد» (چیدری، ۱۳۹۰).

کیفیت‌بخشی به تربیت نیروی انسانی باید متناسب با نیازهای بومی و دینی باشد تا بتواند نیروی انسانی مولد، ماهر و مفید برای بخش‌های مختلف اجتماعی، تربیتی، اقتصادی و سیاسی تربیت کند و به مفهوم وسیع، همسو با پژوهش گوتک (۲۰۰۷) کلیه فرایندهای زندگی انسان را پوشش دهد و آن را تأمین نماید. تولید علم و دانش و کاربرد بهینه آن در فرآیند تعلیم و تربیت، موجب تقویت و افزایش دانایی و توانایی دانشجویان، اساتید و معلمان شده و آموزش و تربیت را در مهم‌ترین مأموریت خود یعنی کیفیت‌بخشی به تربیت نیروی انسانی، متناسب با نیازهای بومی و ملی را یاری می‌کند و نیروی انسانی توانمند و کارآمد را بیش از گذشته تربیت خواهد نمود که می‌تواند مشکلات حوزه‌های مختلف، مخصوصاً مشکلات حوزه علوم انسانی و علوم تربیتی را کاهش دهد و این همان چیزی است که مورد تأکید چیدری (۱۳۹۰) است.

برای تحقق این امر به‌عنوان رهنمود، دو عمل مهم در کیفیت‌بخشی تربیت نیروی انسانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در حوزه علوم تربیتی کارساز خواهد بود. اول برگزاری کارگاه‌هایی در حوزه ایجاد بینش و نگرش آیه‌ای به عالم با توجه به نگرش برخی از اندیشمندان معاصر مسلمان تعلیم و تربیت که نتیجه آن شرکت دادن و بازآموزی اساتید حوزه علوم تربیتی در

برنامه‌های آموزشی کارگاه‌هایی است که برآیند آن‌ها به ایجاد و تقویت این نوع نگرش آیه‌ای کمک خواهد کرد هرچند این کار سخت است و استادی که شخصیتش تکمیل شده ممکن است سؤال گردد که چنین جلساتی چه کمکی خواهد کرد؟ در پاسخ باید گفت نباید نامید شد حداقل شرکت در جلسات برای برخی استادان این حوزه به دلیل مواجهه با پرسش‌های احتمالی خودشان در مورد جهان‌بینی اسلامی و فطرت الهی کمک‌کننده خواهد بود؛ بنابراین لزوم برگزاری دوره‌های معرفت‌افزایی که البته در مراکز آموزش عالی وجود دارد برای بهبود این وضعیت مناسب‌تر است و پیشنهاد می‌گردد غنی‌تر شده و از اساتید برجسته در حوزه نگرش آیه‌ای استفاده شود.

دوم اینکه، شرکت دادن دانشجویان در کارگاه‌هایی با همین موضوع و نیز تقویت کرسی‌های آزاداندیشی و مناظره در خصوص ارزش‌ها و ماهیت انسان با اساتید مجرب جهت ایجاد انگیزه، مطالعه و پژوهش و همچنین زمینه لازم برای تشویق مطالعه و پژوهش در حوزه‌های اسلامی است هرچند دفتر فرهنگ اسلامی تلاش‌هایی در این زمینه دارند ولیکن مناسب‌تر این است حتی دروسی در برنامه درسی رشته‌های علوم تربیتی به‌طور رسمی گنجانده شود تا نیروی کارآموده بتوانند جهت‌گیری‌های فطرت‌گرایانه به افکار و اندیشه دانشجویان و اساتید بدهند. نویسندگان بر این باورند که بسیاری از دانشجویان و برخی اساتید از چنین مناظرات و گفتگوهای علمی کاملاً استقبال می‌کند ولیکن برای پیشگیری از تعصب و خودمحوری عاطفی باید هم استاد آموزش این دوره‌ها مجرب و دانشگاهی باشد و توصیه می‌گردد از استادان خارجی مسلمان استفاده شود و هم کیفیت آن به‌گونه‌ای باشد که دانشجویان و استادان مشتاقانه برای برنامه‌های بعدی چنین گردهمایی‌ها و نشست‌ها اعلام آمادگی نمایند.

در مجموع و بر اساس آنچه گذشت، تحول در زمینه‌ی رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی از اختراع چاپ تا رسانه‌های نوین که زمینه‌ساز بیداری و پیشرفت ملت‌ها در زمینه‌های مختلف گردیده است، باید برنامه ریزان و دست‌اندرکاران حوزه‌های مختلف علوم تربیتی، رهنمود کیفیت‌بخشی به تربیت نیروی انسانی را در سرلوحه کار خود قرار دهند؛ زیرا این رهنمود می‌تواند متناسب با نیازهای بومی، ملی و اسلامی و همچنین تولید دانش و کاربرد بهینه آن در فرایند تعلیم و تربیت که موجب افزایش دانایی و توانایی دانش‌آموزان و معلمان شده و

آموزش و پرورش و مجموعه علوم تربیتی را در مهم‌ترین مأموریت خود یعنی تربیت نیروی انسانی دانا، توانمند و کارآمد بیش از گذشته یاری نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین رهنمودهایی بر بنیاد پیش‌فرض‌های بومی و اسلامی، به منظور بهبود وضعیت برنامه درسی علوم تربیتی در ایران، با روش‌های تحلیل مفهومی و قیاس نظری انجام شد. بر اساس هدف کلی پژوهش که شناسایی پیش‌فرض‌ها و تدوین رهنمودهایی برای بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی در ایران است؛ پنج پیش‌فرض اساسی استخراج شد و ذیل هر پیش‌فرض، رهنمود متناسب با آن استنتاج و تدوین گردید که پیش‌فرض‌ها، شامل اصالت اقتباس در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی، توجه به مضامین اسلامی و فرهنگ ملی برای بومی‌سازی و اسلامی‌سازی، نگاه نوگرایی - بومی‌گرایی در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی، اصالت دادن به تولید محتوای مبتنی بر فرهنگ بومی و توجه به فطرت و ابعاد وجودی انسان در بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی است. همچنین بر بنیاد پیش‌فرض‌های مطرح شده، پنج رهنمود اساسی و کاربردی نیز برای بهبود برنامه درسی استنباط و تدوین گردید که عبارت‌اند از: (۱) بررسی انتقادی متون وارداتی و اقتباس در ترجمه آثار غربی در حوزه علوم تربیتی، (۲) شناسایی و معرفی چهره‌های متفکرین بومی و اسلامی در تاریخ علوم تربیتی ایران، (۳) استقبال از طرح‌های مبتکرانه بومی و اسلامی در حوزه علوم تربیتی، (۴) تولید دانش بومی و اسلامی در حوزه علوم تربیتی و (۵) کیفیت‌بخشی به تربیت نیروی انسانی، متناسب با نیازهای بومی و اسلامی.

در مجموع، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که علی‌رغم چالش‌ها موجود، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم تربیتی موضوعی بسیار مهم و ضروری است و در تدوین رهنمودهایی برای بهبود برنامه درسی علوم تربیتی، تحلیل و بررسی پیش‌فرض‌هایی که به آن‌ها اشاره گردید امری اجتناب‌ناپذیر است. یافته‌های این پژوهش هم‌راستا با نتایج پژوهش‌هایی مانند روزنانی (۲۰۰۳) است که در این رابطه باید مشکلات موجود در برنامه‌ریزی نظام آموزشی کشورهای اسلامی به صورت روشن تبیین گردد. این یافته‌ها همچنین متناسب با تحقیقات سینها (۲۰۰۰) است که ضرورت بازآموزی اساتید و معلمان در برنامه‌های درسی این رشته را با فرهنگ بومی و ملی ایجاب می‌کند. نتایج حاصل از این مطالعه، همچنین همسو با پژوهش‌هایی، نظیر خدیجه بنتی زون،

شریف نورهید بنتی سید آدروس و اسواتی حمزه (۲۰۰۸) می‌باشد زیرا اگر در مالزی برنامه‌هایی برای انطباق با نیازهای محلی و بومی صورت گرفته، این تحول در ایران نیز امری ممکن و ضرورتی حیاتی است. همچنین نتایج حاصل از رهنمودهای ارائه شده، با ادعای ساداتی‌نژاد (۱۳۹۲) هم‌راستا بوده که مهم‌ترین چالش بومی‌سازی برنامه درسی ایران را نبود برنامه‌های درسی مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی و استوار بودن برخی منابع این رشته بر اومانیزم غربی در ایران می‌داند. نهایتاً اینکه یافته‌ها بیانگر لزوم توجه به شناخت ظرفیت‌های ملی و بومی و به‌کارگیری خلاقیت‌ها و اندیشه‌های متخصصان بومی، ملی و ایرانی - اسلامی برای پیشبرد برنامه بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران است که به‌نوعی اثبات‌کننده سخن باقری (۱۳۸۶) است. به‌طور کلی با توجه به پیش‌فرض‌ها و رهنمودهایی که به آن‌ها اشاره گردید، بومی‌سازی علوم تربیتی در ایران به‌عنوان یک ضرورت می‌تواند گامی مؤثر و مفید در ارتقا و تقویت علوم انسانی نیز باشد که از دو منظر قابل پیگیری است:

- بومی‌سازی به معنی اقتباس از پیشرفت‌های همه‌جانبه جوامع جهانی و برداشت آگاهانه از علوم انسانی و علوم تربیتی و عناصر وارداتی آن در خارج از بوم و به‌کارگیری، تعدیل و تغییر آن‌ها از نظر شکل و محتوا و سازگار نمودن آن با محیط و تغییر به دلخواه؛ برحسب شرایط، نیازها و ضرورت‌های جامعه.

- بومی‌سازی به معنی ایجاد بستر مناسب برای تولید علوم انسانی و علوم تربیتی بومی و محلی که بذر آن به‌صورت مستقیم و بلا واسطه در شرایط موجود جامعه بومی رشد نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- الف، لوی. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی درسی مدارس (ترجمه فریده مشایخ). تهران: انتشارات مدرسه.
- اخوی راد، بتول. (۱۳۸۸). بررسی شیوه‌های بومی‌سازی علوم انسانی و تأثیر آن بر آموزش عالی. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۴(۳۵ و ۳۶)، ۲۲-۲۸.
- اعوانی، غلامرضا. (۱۳۹۰). منظور از بومی‌سازی علوم انسانی، تعطیل کردن آن نیست. پایگاه تحلیلی-تبیینی برهان. قابل دسترسی از: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News>
- باقری، خسرو. (۱۳۹۶). بررسی و نقد کتاب «از علم سکولار تا علم دینی». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۷(۲)، ۱-۱۷.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، شهلا. (۱۳۸۷). علوم انسانی اجتماعی از بحران تا بومی‌سازی: انتقادات و راهکارها. فصلنامه حوزه و دانشگاه - روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴(۵۴)، ۶۶-۴۷.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۰). رهیافت بومی‌سازی علوم انسانی. قابل دسترسی از: <http://korsi.farhangolm.ir/Products/Other/Article>
- بیاتی، ابوالحسین. (۱۳۹۶). منطق تولید تعاریف (تحلیل مفهومی). قابل دسترسی از: <https://bayati.info/>
- پوریانی، حسین. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بومی‌سازی علوم انسانی. قابل دسترسی از: <http://rasekhoon.net/article/show>
- چیدری، زهرا. (۱۳۹۰). بومی‌سازی علوم چگونه تعریف می‌شود؟. گروه فرهنگی - اجتماعی برهان، قابل دسترسی از: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News>
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۶). موضع رهبری در برابر مهاجرت دانشجویان؛ روزنامه کیهان، تیرماه ۱۳۹۶.
- روزنانی، هاشم. (۲۰۰۳). اسلامی کردن برنامه آموزشی و تحصیلی (ترجمه سوسن کشاورز). فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ۸(۳۲)، ۸۸-۱۱۰.
- سراجزاده، سید حسین. (۱۳۹۱). بومی شدن یا اسلامی شدن علوم انسانی و اجتماعی: ایجاد علم جدید یا رویکرد جدید. دومین کنگره ملی علوم انسانی، تهران.
- سجادی، سید مهدی و برخورداری، رمضان. (۱۳۸۳). تبیین و تحلیل جریان اسلامی سازی علوم و آثار آن بر تعلیم و تربیت. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۳(۷)، ۴۵-۲۴.
- فرزانه‌پور، حسین. (۱۳۸۷). امکان بومی‌سازی علوم انسانی و رشته‌های آن با تأکید بر علوم سیاسی (چالش‌ها و راهکارها). نشریه کنگره علوم انسانی، قابل دسترسی از: <https://shoaresal.ir/fa/news/140023>

فرهینی فراهانی، محسن و انجمن سرخابی، هادی. (۱۳۹۳). چرایی و چگونگی تحول در علوم انسانی با نگاهی به مؤلفه‌ها و آسیب‌های مطرح در آن. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۸(۴)، ۵۲۲-۵۰۱.

فلاح، محمدرضا. (۱۳۸۹). بومی سازی علوم انسانی. قابل دسترس از: <http://www.rfallah.blogfa.com/post>

قول سفلی، محمدتقی و نوریان دهکردی، نگین. (۱۳۸۹). نقد بومی‌گرایی در اندیشه جلال آل احمد. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، سال چهارم، ۱۸۲-۱۵۲.

مسعودی، جهانگیر. (۱۳۸۹). تحلیلی از برخی مبانی و پیش‌فرض‌های معرفتی موافقان و مخالفان علم دینی. فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی. ۱۶(۶۴ و ۶۵)، ۶۶-۴۳.

نوذری، محمود. (۱۳۹۱). امکان اسلامی‌سازی و بومی‌سازی برنامه درسی رشته علوم تربیتی. نشریه راهبرد فرهنگ. شماره ۱۹، ۱۶۸-۱۳۹.

Hoffmann, Stanley. (2008). Subduing Globalization: The Challenge of the Indigenization Movement. In Globalization and the Margins, edited by Richard Grant and John R. Short.

Khadijah Binti-Zon and Sharifah AH Norhaid AH Binti-syed- Idros and Aswati Hamzah. (2008). A Malysain Perspective of Ethnic & Indigenous Knowledge. The 8th Annual Conference of the Iranian Curriculum Studies Association (ICSA), The University of Mazandaran – Faculty of Humanities & Social sciences, Balbosar, Mazandaran, Islamic Republic of IRAN.

Chateau, Jean. (2005). les Grans pedagogues (Translated by Dr. Gh. H. Shokohi). University of Tehran Publication. no:1543.

Sinha, jai B.P. (2000). Towards indigenization of psychology in india. Psychological Studies, 45(1-2), 3-13.

Smith, J, Robert. (2008). From Tension Resonance: globalization and Localism In Australain. The 8th Annual Conference of the Iranian Curriculum Studies Association (ICSA), The University of Mazandaran – Faculty of Humanities & Social sciences, Balbosar, Mazandaran, Islamic Republic of IRAN.

Chiang, Tien-Hui. (2020). Handbook of Education Policy Studies. Is Cultural Localization Education Necessary in Epoch of Globalization?. In Handbook of Education Policy Studies, Fan G. Popkewitz T. Springer, Singapore.



تجميع المبادئ التوجيهية على أساس الافتراضات الأصلية والإسلامية
لتحسين حالة مناهج العلوم التربوية في إيران

إبراهيم خسروی^١ | أكبر صالحی^٢ | علی رضا محمودنیا^٣ | محسن ایمانی نعینی^٤

٥٥

المجلد ٣٠
الصيف ١٤٤٣

ورقة البحث

الواردة:
٤ جمادى الاولى ١٤٤٧

المقبولة:
٨ رجب ١٤٤٧
صص: ٢٦٧-٢٣٣



الملخص

الهدف من البحث الحالي هو استخراج مبادئ توجيهية تستند إلى افتراضات محلية وإسلامية ، من أجل تحسين حالة مناهج العلوم التربوية في إيران. منهج البحث هو التحليل المفاهيمي والقياس النظري ، ومن أجل جمع البيانات اللازمة لتحقيق أهداف البحث ، تم تحليل المصادر المتاحة وذات الصلة باستخدام الاستبيانات وتحليل المحتوى النوعي ، وأدت نتائج البحث إلى استخراج خمسة الافتراضات الأساسية ، بما في ذلك أصالة التكيف في توطین العلوم التربوية وأسلمتها ، والاهتمام بالمواضيع الإسلامية والثقافة الوطنية في التوطين والأسلمة ، ونظرة الحدائة - المحلية في التوطين والأسلمة ، وإضفاء الأصالة على إنتاج المحتوى القائم على الأصل. الثقافة والاهتمام بطبيعة الوجود الإنساني وأبعاده في توطین وأسلمة العلوم التربوية. بناءً على الافتراضات المذكورة أعلاه ، هناك خمسة مبادئ توجيهية عملية تشمل: (١) مراجعة نقدية للنصوص المستوردة والتكيف في ترجمة الأعمال الغربية في مجال العلوم التربوية ، (٢) تحديد وإدخال المفكرين الأصليين والإسلاميين في تاريخ العلوم التربوية الإيرانية ، (٣) الترحيب بالمشاريع المبتكرة المحلية والإسلامية في مجال العلوم التربوية ، (٤) إنتاج المعارف الأصلية والإسلامية في مجال العلوم التربوية ، (٥) توفير الجودة لتدريب الموارد البشرية وفقاً للاحتياجات الأصلية والإسلامية ، لتحسين تم استنباط منهج العلوم التربوية في إيران وتجميعه.

الكلمات الرئيسية: التعريب والأسلمة والعلوم التربوية والافتراضات والمبادئ التوجيهية.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.9.4

Salehidj2@yahoo.com

١. طالب دكتوراه ، كلية علم النفس وعلوم التربية ، جامعة خراسمی ، طهران ، إيران.

٢. المؤلف المراسل: أستاذ مساعد ، كلية علم النفس وعلوم التربية ، جامعة خراسمی ، طهران ، إيران.

٣. أستاذ مشارك ، كلية علم النفس وعلوم التربية ، جامعة خراسمی ، طهران ، إيران.

٤. أستاذ مشارك ، جامعة تربية مدرسة ، طهران ، إيران.

Developing Guidelines Based on Indigenous and Islamic Assumptions to Improve the Status of Educational Science Curriculum in Iran

Ebrahim Khosravi ¹ | Akbar Salehi ² | Alireza Mahmoudnia ³ | Mohsen Imani Naeini ⁴

Abstract

The purpose of this study is to employ guidelines based on indigenous and Islamic assumptions in order to improve the status of the program in educational sciences in Iran. There is a research method, conceptual analysis and analogy of theory, and in order to collect the necessary data to achieve the researcher, the available resources related to the immunization of note-taking and using the method of analysis of qualitative materials required analysis. It is intended to extract five basic presuppositions, including the originality of adaptation in the localization and Islamization of educational sciences, attention to Islamic themes and national culture in localization and Islamization, the view of modernity-localism in localization and Islamization, originalization. To produce domestic materials based on indigenous culture and to pay attention to the nature and dimensions of human existence in the localization and Islamization of educational sciences. Based on the proposed assumptions, five practical guidelines include: 1) Critical review of imported texts and adaptations in the translation of Western works in the field of educational sciences 2) Identification and introduction of native and Islamic thinkers in the history of Iranian educational sciences. 3) Welcoming Innovative indigenous and Islamic projects in the field of educational sciences. 4) Production of indigenous and Islamic knowledge in the field of educational sciences. 5) The quality of training human resources, in accordance with local and Islamic needs, to improve the curriculum of educational sciences in Iran, was inferred and developed.

Keywords: Localization, Islamization, Educational Sciences, Assumptions and Guidelines.

55

Vol. 30
Summer 2022

Research Paper

Received:
19 December 2022
Accepted:
20 February 2021
P.P: 233-267



DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.54.9.4

1. Ph.D. Candidate, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author, Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. Salehihidji2@yahoo.com
3. Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.
4. Associate Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.